اتحادیه انجمنهای هنرمندان افغانستان

مکتب هنری بهزاد

نگارنده: عبدالکریم رحیمی

سال ۱۳۷۰.

مکتب هنری بهزاد

نگارنده : عبدالکریم رحیمی

سال ۱۳۷۰

مکتب هنری بهزاد

از نشرات : اتحادیه انجمنها ی هنرمندان افغانستان

نگارنده : عبدالکریم «رحیمی»

مهتمم : هدایت الله (شیرزوی-خوریانی)

تیراژ : (۵۰۰۰) جلد

جای چاپ : مطبعه آریانا

سال چاپ : میزان ۱۳۷۰

فهرست

عنوان	صفحه
ب- خوشنویسان مکتب هنری هرات	۲۷
ج - تاثیر مکتب هرات بر دیگر مکتب بهزاد	۳۳

پیشگفتار

تا کنون کمتر کتاب علمی وتحقیقی در مورد هنر های مصور در افغا ـ نستان و سیر تار یخی این هنر هااز طرف پژو هشگران وهنر شناسان بر شتهٔ تحر یر در آورده شده . اگر نوشته هایی هم بدست با شد، بشکل مقاله های پرا گنده در مجلات وجراید وروز نامه ها بچا پ رسیده که با وجود ارزش علمی و تحقیقی این مقالات نمی توانند تأثیر کتب مدون را بالای علا قه مندان داشته و از آن استفاده اعظمی که میخوا ـ هند ، ببرند . رسا له تحقیقی هذاکه تحت نام (مکتب هنری بهزاد) بهمت وتلا ش دانشمند گرا مـی وهنر مند بر جسته وکار مند شایسته فرهنگ محترم پوهنیار عبدا لکریم « رحیمی » استاد دیپار تمنت گرافیک پو هنځی هنر های پو هنتون کا بل به چاپ رسیده است .در نوع خود اثر پژو هشی بی نذیر است . استادرحیمی توا نسته بخو بی تصو یـر

کامل و منطقی که بتوا ند مورد قبول‌هنر مندان و هنر شنا سان گردد از هنرمینیا تورو سیر انکشاف تار یخی‌آن در افغا نستان تهیه نما ید . او با دقت نظر و مهارت هنر مندا نـه وبا وسعت نظر خالی از تعصب وجانبداری خصو صیات هنر مینیاتوری مکتب بهزاد رادر عصر تیموریان هرات هم از نظر شکل و هم از نظرمحتوی و هم‌ازنگاه تخنیك هنـری بر رسی ، ارزیا بی و این هنر را درارتباط باسایر ژانر های هنری و هم بامقایسهٔ مکتب های مینیا تو ر ی‌دیگر و تا ثیرات متقا بل آن هـا ، تحلیل و ارزیا بی نماید .

اتحاد یه انجمن های هنر منـد ان‌جمهور ی افغا نستان چاپ این اثـر عالی را که بیقین می توا ند خد مت‌بزرگ و فرا موش نا شد نی بـه فر هنگ و هنر اصیل سر زمین ما وبه دوستدا ران هنر باشد ، ضرورى دانسته و تلاش های مؤ لف این اثورا قابل قدر می پندارد .

شورای مر کزی اتحادیه انجمن های

هنر مندان افغانستان

تقریظ

رسا له ای تحت عنوان مکتب هنری بهزاد فر آوردهٔ محترم پو هیالی عبدا لکریم رحیمی استاد پو هنځی هنر ها را که خود یکتن از میناتور - یست های ورز یده و قا بل قدر در کشور می باشند دقیقاً بر رسی و مطا لعه نمو دم . نگار نده با پشت کار عمیق و حوصله مندی زایدالو- صفی در باب مکتب نقا شی بهـزادعصر تیموری هرات در قرن نهم که یکی از مکا تب طراز اول نقا شی ومینیا توری در سطح منطقه و جهان بوده و آفر یده های این مکتب ازارزش های خا ص معنوی بر خور دار می باشد که امروز زینت بخش معرو فتر ین و بزر گتر ین موزه ها وکتب خانه های جهان مانند موزه مترو پلوتن نیویارك در امر یکا ، بر یتش موز یم انگلستان ، لوورپاریس ، ایر میتاژ لننگراد ، دارالکتب عصر توب قاپو ، لرایاستانبول (ترکیه) خدا بخش در تپهٔ هندو - ستان ، قصر گلستان تهران ، آرشیف ملی کابل (افغا نستا ن) می باشد مجال ذکر هر یك از آن آثاردرین صفحه مقدور نیست .

استاد ارجمند مینا تور یست مامحترم رحیمی با دید خاص تحقیقی و

تخلیقی و با شواهد و براهینی که خاصه کار اوست ذیل عناوین سیر تاریخی ، نقاشی و میناتور درافغانستان ، روش هنری مینیاتور ، مینیاتور چیست وانواع آن ، مکتب‌هنری بهزاد،خوشنویسان ، تاثیر این مکتب بر مکاتب هنری دیگر ،مینیاتور از نظر شکل و محتوی ، خصوصیات و رنگ از نگاه مینیاتور،دست یازیده و رساله مفید و ارزشمندی اندرین باب بوجودآورده که از حیث تبویب فصل ها، جمله بندی های خوب و شیوه‌تحقیق برازندگی ویژه یی دارد . محترم رحیمی دراین وجایب و وظایف فرهنگ کشور سهم شایسته گرفته و اثر خوبی را به ارمغان گذاشته اند اینجانب کار مثمر موصوف را خوب ارزیابی میکنم وآن را جهت دریافت به رتبهٔ علمی پوهنیار موافق دانسته برایش‌تبریك عرض میکنم و کامیابی های بیشتر به اوشان آرزو مینمایم .

با احترام

پوهنوال دکتور بنووال

تقریظ

پیرامون هنر و بخصوص راجع به رشته های اختصاصی و فرعی آن در زبان دری (به استثنای ادبیات و شعر) آثار مطبوع کمتر دیده میشود و علت اساسی آن بعقیده من اینست که هنرمندان در بعضی از کشور ها آنقدر که شایان ودر خور آنها ست تشویق نگردیده اند تشویق البته انگیزه عجیبی درهنرمند ایجاد میکند و او را به نردبان های بلند تر هنری عروج میدهد و استعداد هنریش را بیشتر بکار می اندازد .

زمانیکه مؤلف محترم این اثر پیشنهاد روی کار آوردن اثری را در بارهٔ مینیاتور و مکتب بهزاد خاطرنشان ساختند . باگرمی زاید لوصفی آنرا استقبال نمودیم زیراچنین اثر علاوه بر اینکه به غنای کلتوری در فرهنگ افغانستان محسوب میشود در راه احیا و زنده نگهداشتن هنر مینیاتور و بخصوص مکتب بهزاد رول شایسته و ارزنده خود را بازی خواهد کرد و بنابرین متعهد شدن به چنین امری یکی از خاطرات فراموش ناشدنی مؤلف درزندگی اش محسوب میشود .

در این‌اثر نقطه شروع یامبداءهنرمینیا توری تشخیص داده شده و مسیر تار یخی یی را که این هنر درطی قرون پیموده است دقیقاً تعقیب و پژو هش نموده اند . روش وسبک‌های متد اوله هنر مینیا تور تفصیل داده شده است بعباره دیگر خواننده‌بعد از مطا لعه اثر یک معلو مات جامع و آفا قی پیرا مون هنر مینیاتوربد ست می آورد و بنا بر ین هد فمندی و سود مندی اثر از همین جا‌پیدا میشود علاوه بر این مؤ لف پیرامون شکلیات و محتوا و خصوصیات هنر مینیاتور بهزاد پژو هش عمیق نموده که در غنای اثر بدینوسیله افزوده است و برای کسانیکه بخوا هند معر فی اسا سی و بنیا دی‌با هنر مینیا تور پیداکنند رنگها و مواد اولیه که در هنر مینیا تور بکارمیرود معر فی کرده است .

استاد رحیمی هما نطور یکه استعداد هنری شان از خلال این اثر در لابلای آثار هنری دیگر شان‌انعکاس یافته در سا حه عمل نیز مصدر خد مات شا یان گر دیده اندعلاوه بر اینکه بحیث یك استاد ورزیده در رشته مینیا تور وظا یف‌خود را در تدر یس ، بسط تو سعه و انکشا ف این هنر بوجه احسن‌انجام داده اند یك سلسله آثار مینیا توری را ایجاد گری نموده وهمکاری خودرا بادیگر مؤ سسا ت در مواقعیکه ضرورت ایجاب نموده‌است دریغ نکرده و استعداد هنری خویش را در خد مت به دیگران ودرراه بر آورده شدن اهداف اجتما عی بذل و نثار نموده اند .

من بحیث‌مسوول دیپار تمنت‌گرافیك‌درحالیکه موفقیت عاجل وموجوده‌شانرا به ایشان شاد باش می گو یم‌پیروز مندی های حال و آینده شانرا نه تنها در رشته هنر مینیا توربلکه در تمام سا حات و فعا لیت های فردی و اجتما عی که هد ف‌آن سعادتمند ساختن فرد و اجتماع باشد آرزو مینما یم .

پو هنوال غلام نبی نا طق
آمر دیپار تمنت گرا فیك

مقدمه

کشور افغا نستا ن با داشتـــــن خصو صیا ت فر هنگی دارای ابعـاد مختلف و گونا گون می باشد . افرادتوانا و با استعدا د این سر زمیـــن همیشه درسعی و تلاش بوده اند تـاکشور خود را غنای فر هنگی بخشنـد و آبا دان سازند .

این جد و جهد را در طی از منـــه تعقیب کرده و آثار پر بهای در زمینه های مختلف ادبی هنری و فر هنـگی بیاد گار گذاشته اند که امروز این آثار ارز شمند در غا لب کشور ها ی جهان زیب و زینت کتا بخانه هـا و موزیم ها ی بزرگ جهان میبا شـد .از جمله این کار های قا بل اعتبار و تحسین در ساحه های فرهنگ، هنروادب در سر زمین ما بویژه در عصـر تیمور یان هرات قرن نهم هجری دربخشها ی نقا شی ، مینیاتـــوری ، تذهیب کاری ، صحافی، خطاطی، ودیگر آثاری از صنایع ظر یفه عرض وجود کرده است که مایه افتخار وابهت جلال می باشد . البته نه تنها بحث و یاد آوری ما پیرا مـــون مکتب هنری هرات است بلکه بیاد می آوریم از صنا یع مستظر فـه آثار عمرا نی و نقا شی های زیبا ی دوره اسلامی و بعد از آن با شواهدوبر اهینکه از لابلای کتب و آثـار

مکتوب بد ست می آید بطور مثـــال اگر در آثار عمرانی ، ظروف پـردا ـ زی ، ریخته گری ، مجسمه سازی ، نقا شی های ظر یفه و خطوط برجسته وزیبا از بلخ و بامیان ، هده و منـدیگك ،غزنی، غور وغرجستان و ـ غیره به نظر غور دیده شود شا هدمدعای ماست .واین هم بجا ســت که ماخیلی ها آثار گرا نبها داریـــم که در نوا حی ولایا ت کشور درزیر خاك مغاره های کوه ها نهفته ومدفون است هکذا مسجد لروند « مسجد ـ ملکان» در پر چمن ازسنگ وبرجهای بنای غور نیلی و مربو طات تیـوره که سا لهای دراز با آنکه سا ختمان آن از یك نوع گل خام است هنوز هم به پا استاده و زیبا ست و نقوش خـودرا تا اکنون حفظ و حراست کـرده است شهر سی منار در فر ســـی وقلعه نر یمان در باد غیس و غا ر قیر اندود در چوندو امثا لها حفریات و کشفیات را انتظار می بر نـد و اما مکتب هنری هرات و نهضـــت وترقی علم و هنر در عصر تیمور یها رادر راس باید قرار داد .عر ض شود که این مجمو عه بمنظــــور معلو مات مختصر پیرا مون مکتـب هنری هرات نگا شته شده اســـت موضو عیست از هنر نقاشی ،مینیاتور سازی و خطا طی در عصــــر تیمور یان هرا ت که در چهار فصل خلاصه میگر دد اثر مذ بور بنا بر عدم تجر به کافی شاید از کــم وکا ستی خالی نباشد . اما چون قـدم نخستین است که در ین راه میگذارم برای فعا لیتهای هنری و کار ها ی تحقیقی بعدی مثمر ثمری خوا هــدبود . در اخیر از استا دان عا لیقدر که مرا دراین کار علمی و فر هنگی یاری رسا نیده و بخصوص از استاد گرا می پوهنوال دکتور محمد افضــل بنو وال استاد پوهنځی ز بـــــان و ادبیات که در تکمیل این رسا لـه مرا رهنمایی و همکاری نموده و در انجام کار هایم سهو لت بخشیده است قبلاً تشکر می نمایم .

عبدا لکریم رحیمی
استاد پو هنځی هنرها

فصل اول

تاریخ پیدایش هنرهای ظریفه به ویژه نقاشی و مینیاتور در افغانستان

الف - سیر تاریخی نقاشی و مینیاتور در افغانستان :

بشر از دوران بسیار دور با نقش‌آفر ینی به بیان و احساس آرزو های قلبی و درونی خود پردا خته وبا خلق زیبا نی ها از طر یق نقا شی و پیکره نگاری با این زبان توانسته است انعکا س دهندهٔ طبیعت، جا معه ومردم خود باشد .

پس ازین مقد مه بجا ست برای‌دریا فت تاریخ پیدا یش نقا شی و مینیا تور در افغا نستان هر چندموجز و مختصر مطا لبی درین زمینه آورده شود .

متاء سفا نه دراثر عدم تحقیق واطلاع چنین پندا شته اند که افغا -

نستان نقا شی را ازچینیان آمو خته اند ونقا شی ازچین به افغا نستا ن آمده است . این پندار اشتباه و غلطموجب گرد یده که نظــرات دور از حقیقتی در بارهٔ نقاشی افغا نستا نابراز و اظهار شود.

با کشف آثار مکشو فه از نقــاطو محلات مختلف افغا نستان وموجود ـ یت ارز شها ی فر هنگی یاد گــــاردرین سر زمین تاریخ نقا شی افغا ـ نستان به دور ترین ادوار تار یـخ‌زند گی بشر به عقب برده میشود . اگر تاریخ نقا شی در افغا نستـــان کهن تر از تاریخ نقا شی در اسپانیا و فرا نسه ودیگر مما لك نبا شـــدمسلماً از آنها تازه تر نیســــــت. اسناد و شوا هدی در دست هســـت که نشان مید هد نقا شی های غنائی رنگین دیواری پیش از اســــلام ازدوران هخا منشیان در این سر زمین رایج بوده است . (۱)

درینجا به نقل از یك اثر قد یمی‌متذ کر است که (خارس می تی‌لنی) ،که رئیس تشر یفات اسکندر بـــودگفته است . در زمان هخا منشیــا ن منظو مه های رواج داشته است که در آن زند گی نامه قهرما نـــا ن و داستانهای عشق ودلداد گی و دیگرموضو عات عنعنو ی بصورت منظـوم تدوین می یافت که شهر تی فرا وان‌داشت . این داستا نها را مردم بـــا رغبت فراوان و علاقه زیاد میخـــواندند و در معابد وکاخ های بزر گا ن بردیوار ها نقش ازین داستا نهـــامی کشید ند.

بنا بر ین طبق این نوشته وسندکه از بی‌گانگان است‌در دوران‌هخا ـ منشیان مردم این سرزمین داستانهای‌غنا ئی و عاشقانه را بر دیوار کـــاخ ها وخانه های خود نقا شی میکرده وبا اینکو نه نقا شی ها کاخ هــــا و منازل خود را تزئین میکرده انـــد .وبا بد ست آمد ن نقا شی های‌رنگین دیواری دورا ن هخا منشی پیدا ست‌که نقاشی های دیـــواری آن دورا ن

---

(۱) رکن الدین هما یون فرخ ،« سیری در مینیا تور ایران » هنر و مردم شماره (۱۴۰ـ۱۴۱) ســا ل (۱۳۵۳) ص (۱۹) .

همه رنگین بوده و در آثار ادبی پس‌از اسلام نیز به نقل از تار یــخ دوران با ستان منعکس است که درکتا بهای دوران سا سانی داستا نهای پهلوا نی و حما سی را نیز درکتا بهانقا شی میکرده اند .

منجینك ترمزی میگو ید :

به شاهنامه برار هیات تو نقش کنند
زشانامه بمیدان رود به جنگ فـراز

زهیبت توعد و نقش شاهنامه شـود
کازونه مردبکار ایدونه اسب‌ونه ساز

یا دیگری گفته است .

بر ایوان ها نقش بیژن هنــو ز
بزندان افر اسیاب اندر اســت

ودر مقدمه شا هنامه ابو منصــوری نیز ازاین روش هنری درنقاشی یاد شده است مردم این میهــن درنقاشی ـ مینیا تور که این نــام فرا نسوی و مختصر شده از مینی‌موم ناتورال یعنی طبیعت در نها یــت کو چکی‌و ظرا فت است . خود مبتکرو بنیا ن گذار بوده است و ایــن گو نه نقا شی از دورا ن با ستا ن‌دراین مرز وبوم ریشه وما یه گرفته بود وهمین نقاشی چنا نکه خوا هیم گفت از این سرزمین به چین رفته و سپس از چین بار دیگر به این محیط باز گشته است. (۱)

در دوران باستان حکاکی های‌ظریفی که درروی سیلندرها یعنی‌مهره های استوانه ای‌ومهرهاو نشانه های‌حکاکی شده بهترین واصیل‌ترین‌وزیباـ ترین نقاشی مینیا تور است.

هیچ یك‌از ملل باستانی در حکاکی که پایه‌واساس‌نقا شی دارد بگواهی پرو فیسور پوپ همانند نقاشان‌وحکاکان وطن عزیزما افغا نستان و یـا خرا سان‌وقت نتوا نسته اندهنرمندی‌خود رابه نمایش آور ند.

هنر حکاکی‌خراسان وقت، بخصوص‌در دوران هخامنشیان در روی مهـر

۱ـ همان اثر ص ۲۲.

های استوانه ای ونشان هااز زیباترین مینیا تور های دوران با ستان بشمار میرو ند.

بطور یکه اسناد ومدارك مکتوب نشان میدهد وتاریخ چین نیز حا کی است نقاشی از خرا سان به چین رفته است و بعید نیست که این هنـر در چین مانند هنر دیگری که از ملتی به ملت دیگری منتقل میگرددوتا انـدازهٔ تحت تاثیر خصو صیات روحی وسنتی آن ملت قرار میگیرد ـ تاحدی رنگ چینی بخود گرفته باشد ـ لیکن پایـه واساس واسلوب همچنان افغا نی با قی مانده است.

دانشمند شهیر چینی (سه ئی چی شی مومین) عقیده دارد رواج قلم مو در چین همزمان است با هنگا میکه ساختن ظروف منقو ش ـ سفالین از در بار هخا منشیان به چین رفته است.

همین دانشمند معتقد است که درقرن پنجم پیش از میلادیعنی دردوران فرما نروا یی هخا منشیان نقا شـی آریایی صحنه های شکاررا نشان میداد، که از این منطقه به چین رفت ومورد تقلید قرار گرفته ونقاشی چیـن از روی این نقاشی ها بوجود آمده است.

پروفیسور پوپ معتقد است که از قرن پنجم پیش ازمیلاد تاقرن هشتم میلادی نفوذ نقاشی آریایی وخرا سانی درنقاشی چین بسیار بوده است مفهوم این نظر آن است که مدت (۱۲) قرن تمام نفوذ نقاشی خراسان برهنر نکار گری چین حکومت میکرده است وتاقرن هشتم میلادی برابر است با قرن دوم هجری دریك رساله معروف چینی که درباره نقاشها ی شهیر ونقاشان چیره دست چین تألیف و تنظیم گردیـده چنین آمده است که :

تألیف شخصی در تلفظ چینی لیه ئی نام داشت درزمان سلطنت هخامنشیا ـ نازدربار وقت به دربار چین رفت واونقاش هنرمند وچیره دستی برد که درکار های نقاشی دیواری نظیر نـداشت واوست که نقا شی مینیا توررا برای نخستین باردر قرن چهارم پیش ز میلاد به مردم چین شنا سانـــد و آنانرا به نقاشی آشنا کرد.

براساس نوشته این رساله چینی‌ونام ونشانی که از این نقاش آریایی بدست میدهدوتاریخ آنرا ذکر میکنددر میابیم‌که این نگار گرآز طرف دربارهخامنشی به‌چین رفته بطوریکه پیش ازاین گفته شدمردم این‌سرزمین در دوران‌هخا منشی هاتوجه خاصی‌به نقاشی دیواری داشته اندو داستانهای‌غنایی‌واز جمله داستان‌های‌عشقی را دردیوار کاخ‌ها ویا خانه های خود نقاشی میکرده اند ودر میابیم که‌این سخن‌به همین نشانی حقیقتی رابیان میکند .در بعضی نوشتـــه های پس از اسلام نوشته‌اند که‌مانی به‌چین رفت ونقاشی آموخت وبه‌خراسان آمدوادعای پیغمبری کرد در حالیکه چنین نیست زیرا مسافرت مانی‌به چین هنوز محقق نیست بلکه نغوشاك های مانوی یعنی مبلغان اوو شاگردا نش‌به ترکستان وچین رفتند ودین‌مانو ی‌در اثر تبلیغ آنان‌بزودی‌در ترکستان وچین رواج گرفت.(۱)

بااین همه گوینده گان دیرین‌نظیر نظامی گنجوی نیز معتقد اند که‌مانی که نقاشی بود از شهر ری به چین‌رفت ودرآنجامردم‌را به آئین خودخواند چنا نکه میفر مایند :

شنیدم که مانی بصورت گـــری
زری سو ی‌چین شد به پیغـــمبر ی

از او چینیان چون خبر یا فتنـــد
بر آن راه پیشینه بشتا فتنـــد

آنچه برای مامسلم است اینکه مانی و آئینش موجب‌رواج نقا شی و اعتلای هنر های زیبای‌کتا ب گردیده‌است.

مانی برای بیان فلسفه آئینش‌دستور داده بود که تالار های بنام نگار ستان بساز ند وبر دیوار این‌تالارهاداستان خلقت آدمی‌وسرنو شت او را برپایه معتقدات آئیـــــن او نقاشی نمایند وپیروانش با سیر در

۱ـ هما ن اثر ص ۲۳

نقاشی های نگار ستان فلسفهٔ آئین رادر می یافتند. میدانیم این رو ش بعد ها در آئین نسطور یان رسوخ و سپس کلیسا نیز آنرا پذ یر فت و این است که در کلیساهای بزرگ داستان پیدا یش آدم وخلقت اوراتا ظهور پیا مبران بر اساس نوشته های تورات وانجیل نقش شده است.

پایه واساس مینیا تور سر زمین ما بر نقاشی مکتب مانی استوار است. طرح ور نگ در نقا شی مانوی نقش بر جسته ای ایفا میکند. رنگها در نقا شی این مکتب تند و با جلا ست و بیشتر از رنگ های سرخ وسبز سیر و روشن ارغوانی درزمینه آبی آسمانی با بکا ر بر دن طلا و نقــــــر ه فراوان برای جلا و تشعشع بکـــارمیرفته است.

از نقاشی های مکتب مانی خـــوشبختانه در سالهای اخیر گذشته از آنچه در تور فان بدست آمده بودودر تر کستان شوروی در چند کاخ متعلق بدوران سا سانیان نیز یافت شده است از جمله درکاخ پاد شاهان دیو اشتیک، درکاخ افرا سیاب واقع درتپه افرا سیاب باید گفت که سبک ومکتب نقاشی آریایی پس از حمله عرب تاهجوم مغول همان نقاشی مکتب مانی است ونمونه های بسیاری ازنقاشی های دیوار وکتابی دوران دیلمی غزنوی سلجو قی در دست است که میتواند بهترین معرف و گواه این مدعا بـــا شد. پس از آمد ن مغلا ن به خراسان بار دیگر روابط فر هنگی واقتصادی وسیعی میان خراسان وچین بر قرار گردید واز آنجا که مغلان به نقاشی وستاره شناسی علاقه داشتنداین هنر ودانش در مدت فرمانروائی آنان راه تکامل پیمود ودر این هنگام است که برای بار سوم عنصر نقاشی این سرزمین باچین پیوند تازه میگیرد. درزمان تیمور یان هنر مندان خراسانی مکتبی تازه ونوی در نقاشی این سرزمین ابداع کردند که این مکتـــــب در د و را ن سلطا ن حسیـــــن میر زای بایقرا با ظهور نقا شــــان چیره دست چون استاد بزرگ کمال الدین بهزاد، منصور، مصورهروی ودیگر- ان به اوج ترقی واعتلای خود رسیدو باید گفت این مکتب که بنام مکتب هرات

گام آور شده به هیچ وجه از نظر اصول نقاشی ریشه چینی ندارد و کاملاً خراسا-
نی است. در نقاشی کتابی یا مینیاتور خراسانی «افغانستان امروزی» رنگ
وطرح اساس است و بد یهی در این گونه نقاشی نه سایه روشن هست و نه
پرداز ودور و نزدیك (پرسپکتیو)در نقاشی های ما پرسپکتیو خاصی حکومت
میکند که با نقاشی کلاسیك اروپایی کاملاً متفاوت است .

مینیاتور (۱) که آنرا نقاشی کتابی هم میتوان گفت کاملاً یك هنراصیل
این سرزمین است ونگارگران چیره دست ما باابداع وخلق صحنه های
زیبا نمونه های شگفت آوری در این نقش آفرینی بوجود آورده اندکه
بطور مثال میتوان ازمجلس سماع صوفیان و یاجنگ شتران کمال الدین
بهزاد یاد کرد وهمین طور موضوعات مربوط به دربار وقت اعم از مجالس
بخصوص صحنه های بزم ورزم نقاشی میشد. علاوه برآن موضوعات عادی
روز از زندگی اجتماعی مردم آن زمان با الهام از طبیعت وتخیل بصورت تصویر
سازی باشیوه وخصوصیات مینیاتور تهیه وترتیب میگردید که اکثر موضو-
عات تصویری بیانگر زندگی کارگران دهقانان محافل ومجالس بشمول
صحنه های از دفاتر رسمی دیــــده میشود .

در مینیاتور افغانستان هنرمند هیچگاه تابع طبیعت نیست بلکه کو-
شش او در خلق والقای هرچه بیشتر زیبایی تفهیم آن چیزیست که نقاش
خود می اندیشد یا تصور میکند که بیننده اثر او آرزوی دیدار آنرا دارد نقاش
مینیاتور یست کوشش مینمود تا باالهام ازطبیعت وابتکار خود بصورت تخیل
با خصوصیات مینیاتور صحنه های زندگی مردم آنوقت رااز دریچه دید
خود تعبیر نموده ودرقالب مینیاتور بصورت تخنیکی بریزدو تااثرش رنگ

۱- مینیاتور در لغت به معنای کوچکتر نشان دادن ودر اصطلاح نقاشی
ظریف وریزه کاری میباشد وبه فن تذهیب نیز اطلاق میشود .
محمد افضل بنووال، مکتب بهزاد ،کابل انتشارات پوهنتون ،سال
(۱۳۵۹) ص ٤

مردمی داشته وپاسخ گوی نیاز وخواست جامعه باشد.

هنرمندان آنوقت برای بیان موضوع درآثارخود ازخصوصیات ویژه ای کار می گرفتند مثلاً در ترسیم مجالس بزرگان مانند زمامداران وقت کوشش بعمل آمد تا قهرمان ویا زمامدار رابه شکل برجسته تراز دیگران نمایش دهند وبجای اینکه زمامداردریك محیط محدودو در بسته در باروی در تالار نشان بدهند، برای آنکه جلال وشکوه بیشتری به زمامدار بخشیده و دربرابر چشم بیننده زیبایی های دلچسپی رامجسم سازد زمامدار رابه میان باغی پراز ریاحین وگلهامی برند. اورادر میان باغ باتختی مرصع می نشاند درحالی که در اطراف اودرختان صنوبر وسرو سایه گسترده وشاخسار های آن ماوای مرغان زیباچون تورنك وچکاو کاست وفضای باغ محصور نیست ودر گوشه ای ازآن تپه هایی نمودار است وروی تخته سنگ های کوه کبکان ایستاده وبه باغ نظارمیکنند ودر دامنه های تپه آهو وان به چرا مشغول اند. دراطراف تخت درختان هلوو بادام شگوفه کرده اند برای اینکه بیننده بهتر بتواند شگوفه هارا نظاره کندآنها رابرخلاف طبیعت وحقیقت درشت وشگوفان نشان داده است. جوی های آب در اطراف تخت در گردش اند درمیان آنها مرغابی ها وحتی ماهی های نیز دیده میشوند آسمان بجای آنکه از لاجوردرنگ گیردوفیروزه ای باشد بخاطر انکه جلال و شکوه بزرگی به آن مجلس بخشیده باشندو ازجلاو تشعشع بیشتری برخوردار باشد از طلا رنگ گرفته ونورخورشید به آن - زرنمایان شده است.

همچنین اگر نقاش هنر مند خواسته باشد داستان یك زندانی را که درقعر چاه است نمایش دهد برای آنکه نشان بدهد زندانی درقعر چاه دچار مصیبت ووضع نا مطلوبی است داخل چاه را نیز به بیننده نشان میدهدوتماشاگر رابه قعرچاه می بردو درآنجا بازندانی مانوس میسازد. ممکن است گفته شود این خلاف حقیقت وطبیعت است زیرا از سطح زمین نمیتوان قعر

چاه رادید ولی مینیا تورهای ما این ناممکن را ممکن میسازد و این امکان را به بیننده میدهد و بر ای انجام این نظر از طبیعت خارج میشود و خواست و آرزوی بیننده اثرش را بر آورده میکند.

مینیا تور افغانی از نظر طرح و قواعد و رنگ آمیزی دارای خصوصیات و اختصاصات شناخته شده‌ای است که باتوجه به جنبه ها ی مخصوص آن میتوان گفت این نوع نقاشی درمیان مکتب های مختلف نقاشی جهان از امتیاز خاصی بر خوردار است و بار یک اندیشی و ریزه کاری و ظرافت هایی که در مینیاتور افغانستان پدید آمده به آن جذب وکشش خاص بخشیده است(۱).

ب - مینیاتور چیست؟

مینیا تور نتیجه کار دقیق هنری میباشد، مناظر و صحنه های اشعار حماسی، داستان های عشقی و رساله های تاریخی را ترسیم میکند، بنابر آن مینیاتور بمعنی رسم دقیق با اندازه کوچك میبا شد.

مینیاتور جانشین نوع نقاشی است در طی قرون ظهور کرده بود مانند ترسیمات مذهبی قبل از اسلام نقاشی ها بر دیوار ها موزائیك ترسیم برسفال ـ هنرقالین و گلیم و دیگر هنر های مردم.

بعباره دیگر مینیا توردر شر ق سرمنزل ونتیجه پیشرفت انواع رسامی ونقاشی گردیده است. درحالیکه درغرب بر عکس تزئین تاپیستری بمقصد آراستن دیوار ها از روی مینیاتور ساخته شده وگویا ترسیم بزرگ ساخته مینیا تور میبا شد.

در اروپا پیام هنری باکرا فیزم آغازشد یعنی ترسیمات اخروی وسمبولیك یکجا با خطاطی که رهبانان درنسخه های خطی نگا شتند وآنرا با رنگ سرخ که از سرب ساخته میشد ومینیوم نام داشت نقش مینمو دند. کلمه مینیاتور ازهمان کلمهٔ مینیوم آمده است.

۱ـ به اساس مصاحبه با محمـد سعید مشعل نقاش و مینیاتور یست افغا نستا ن

در شرق اکثر رنگ ها از گرد احجاروسنگهای مختلف ساخته میشد وبیشتر این سنگ‌ها قیمتی بودند. از فلزات مانند زر نیزاستفاده میشدو طریق ساختن رنگهاراپدران هنرمند بفرزندان می‌آموختندو تاکنون این‌جریان دوام دارد.

رونق‌میناکاری بهمین گونه بر قرار مانده است.

آیا مینیا تور از کجا آمده است. مورخان که به‌این موضوع علاقمندانه معتقد اند که حل‌این سوال آسان نیست. درین ناحیهٔ آسیا وشرق‌میانه که ملتقای راه‌های شرق وغرب‌شمال‌وجنوب میباشد معیاد گاه هنر های مختلف ونیز محل نمو وانکشاف ارزش‌های هنری بوده است که سر چشمه های متعدد داشته است.

مینیا تور تارسیدن به‌این سرمنزل‌راهی راپیموده است‌که کشف‌آن‌آسان نیست. در سومین هزار سال قبل ازمسیح در مصر نخستین نمو نه های مینیا تور درکتاب امرت وجودداشت.ومیگو یند یونانیان ازروی تکنیک‌کار ایشان راه خودرا پیدا کرده‌اند.

بعضی مؤرخان معتقداند که نخستین‌نسخه های خطی‌منقش در اروپا پنج قرن سابقه دارد. در عهدلویی یازدهم پاریس مرکز عمدهٔ‌مینیاتوربود. یک عده نویسند گان اظهار عقیده میکنند که در قرن اول پیش از مسیح هنر مینیا تور ازشرق داخل امپرا طور روم‌شده بود وشاعران آثار خودرا توسط هنرمندان منقش میکر دند.

موازی به عهدامپر اطور ژوستینیی‌دوم درقرن هشتم مسیحی مینیاتوردر نسخه های خطی علمی وحکا یات دربغداد ترقی کرد وباینگو نه فرهنگ یونانی وشر قی باهم تلفیق یافته بودند. (۱)

درعهد عباسیان وزمان عظمت‌شهر بغداد این نوع مینیا تور تر قی زیاد کرده بود نمو نه یی‌ازآن که نقاشی‌حکا یات بیدپای‌حکیم هندی(کلیله ودمنه) با ترجمه عربی ابن مقفع بدست ما باقی‌مانده است. درقرن سیزدهم‌مسیحی

۱- بوستن،نمره (بهرین، ر سپید،کوژیك فرانسه وافغا نستان ،سا ل ۱۳۵۵ ص ۱-۲

پس‌ازا ینکه هلاکو خلافت عبا سی راسقوط دادو بسوی شرق باز آمدسلطه ایلخا نیان در ناحیه تبریز آغاز شد(۱۲۵۶ م)درین عهد مینیاتور ترقی کرد وهنر مندان چینی ترکی ومحلی‌وبعضی هنرمندان مسیحی درین‌زمینه خدمت میکر دند .

باینکو نه طریقه هاوا صول مختلف‌واسلوب های‌هنری تاثیر اندا خته و سبك نوینی رابمیان آورد. تاثیر‌هنر‌نقش بر دیوار وموزا ئیـــك که از آن سبك خاص وریا لیزم باقی‌ماند.تاثیر هنر بودایی که جنبه تز ئین ورنگ آمیزی‌آن‌در شرق میانه درعهداسلا می نیز قبول شده بود.

همچنین مشخص وروشن بود رنقش و ترکیب نقش نتیجه تاثیر هنر ختایی بود. ازاینجا بودکه در عرا ق‌و نیزدر فارس هنر ارزسمند [illegible] ور پیشرفت کرد که عهد این مرحلـــه ترقی‌آن‌قرن سیزدهم‌مسیحی‌میباشد.۱

ازطرف دیگر تحقیقا ت‌باستا ن‌شناسی‌در افغا نستان واز آنجمله کشف نقش های رنگین درديوار های قصر زمستانی لشکرگاه که (درآن‌پاسبانان عهد غزنوی بالباس رنگین شان‌تمثیل‌شده است) نشان مید که یکی از منشاء های پیشرفت نقاشی درناحیه زابلستان درقرن‌یازدهم مسیحی‌وجود داشته است که آنهم باهنرقد یـم تریعنی عهد کوشانی‌آسیای‌مرکزی باختر ارتباط میگیرد .

پس از عهد ایلخا نیان اهمیت‌بغداد بحیث یکی ازمراکز مینیاتور کمتر شد. سلطنت تیموری موجب تمر کزجریانهای هنری در شهر هرات‌گردید ویا اینگونه نشانه های یك تمدن‌درخشان درین ناحیه آسیا ظهور کرد.

همان بود که در عهد تیموریان‌هرات نقاشی های شاهنامه و کلیله ودمنـــه درد ستگاه نقاشی احمـــدموسی در هرات صورت گـرفـت و هرات مرکز عهد مینیاتور گرد ید .نقاش چیره دست چون کمال الـدین

۱ـ همان اثر ص ۵

بهزاد در هرات در عصر سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوایی مانند آفتاب تابان از افـق آمال و آرزو ها نمایان شد و در تحت حمایت و پرورش او شاگردان زیادی تربیت گردید .

بهزاد نخستین کسیست که پورتریت های موفقانه یی از روی صورت و سیرت اشخاص ترسیم کرده است که از جمله پور تریت سلطان حسین بایقرا – بهزاد نقاشی های بوستان سعدی و خمسه نظامی را بو جـــه شایسته یی با نجام رسا نیده است.

همچنان مناظر دل افروز طبیعت وتاثیر شور انگیز رنگها ی قیمتـــی با خامه سهر آفرین بهزاد هر و ی بعداً در شرق زمین پارس ، چین و همچنین در سلطنت مغولیهٔ هنـد ،ترکیه و عراق انتقال یافت و پیروی شد .

این ترسیم طبیعت ، جهـــانی از خوشبختی وخورسندی را بیـــان میدارد . مردمانرا خشنود . هنگام ،شکار ، سماع و یا ورزش تمثیـــل میکند . احزال خجسته دلداد گا نرا باخامهٔ خود نقش میکند همچنا ن حالات معنوی وحتی دردو رنج رانیـز تمثیل مینمـا یـد چنا نچـه د ر آثار جامی که نقاشی آن غالباً زیر نظر بهزا د صورت گرفته است .

در ین نوع نقش ها جهان شو رانگیز بوستان های پراز گل وسنبل آسمان روشن وآدمیان باجامه هـا ی ر نگا ر نـگ بیننـد ه را از پــس دنیا ی دون بیرون میکند و باعالم دیگری که سر شار مسرت ور نگ است دعوت میدهد .

اگر بهزاد نمیبود نقاشی بسو ی قلید وکنفریسم یعنی بد قوقی میرفت (نقاش کلاسیك در غرب بهمین سرنوشت دچار شد) بهزاد راه ها ی تازه تری را در یافت وروح زنده یی در شرق دمید . البته این جهت از جهات انقلابی وررومانتیک بود وضمناً میتوان یاد آور شد که پیش ازمکتب

امپر سیونیست های غرب بعضی مشخصات ایشان را با خود آورد و درباره این قضاوت‌ها هر کس عقیده‌ای دارد و اما هیچ کسی تردید ی در آن ندارد که بهزاد نابغهٔ هنر بود .(۱)

بهزاد در سالیان پس از عهد تیموری و چندین سال در تبریز نیز تدریس نقاشی کرد . مدفن او د ر هرات در دامنه کوه مختار است مطابق لوح و فاتش در (۹۴۲) هجری اتفاق افتاده است.

بهزاد دارنده میراث گرا نبها ی مینیاتور زمان پیش از خود و پرور ند ه گرانقدر این هنر وانتقال دهنده آن به نسل های بعدی نقاشان میبا شد . وی با مینیاتور خود حقا یق زندگانی را با دیده نیکو بین وذوق عالی مرتبت و خامه اعجاز گر نقش کرد. چنانچه دیده و دل را می نوازد. نقش بهزاد مانند شعر شاعران مایه سماع سر چشمه شادی یا گریه. ووجد میگردد . وی استاد تمثیل احساسات وجذباتست . از زمان بهزاد تا امروز بسیار نقاشان هنر نمایی کرده اند .

شاگردان بهزاد هر کدام بمرتبه عالی استا دی ارتقا کردند . بعضی از آنان به در بار سلاطین مغو لیه هند رفتند .

شیخ زاده خراسانی ، مقصود، آغامیرك ، مصور ، وغیره نقش ها کشیدند ودیوانهای شعرا را نقاشی نمودند . آغا میرك در نقش ها ی خود البته ژرفای صداقت بهزاد راندارد.

مگر در تمثیل صورت و ظا هر اشخاص پیشرفت شاعرانه ای ر ا آورد ه است که سبب ترقی طرز مینیاتور تجارتی گردید . دیگران از آن پیروی کردند مانند میر مصور ،سلطان محمد ، مظفرعلی ودیگران .

۱-همان اثر ص ۵-۶

فصل دوم
هنر مینیاتور

الف - مینیاتور و انواع آن :

در ینجا از نوعیت مینیاتور با یدخاطر نشان ساخت که مینیاتور از نظر لغوی‌واصطلاحی معنای‌ریزه کاری‌وظرافت دقیق رامی رسانند که، این واژه مذکور در تمام ممالك یك‌سان معنی میدهد وهر ملت و یا کشور بصورت جداکانه متناسب باشرایط خاص اجتماعی اقتصادی و رخداد های فرهنگی خود هنر ،سنن و میراث های فرهنگی داشته که از آنجمله میتوان مینیاتور را منحیث یك پدیده وابسته به فرهنگ‌وهنر زمانی هر ملت منسوب داشت ، بصورت کلی هر ملت و یا هر کشور از خود مینیاتور جداکانه داشته که تفاوت آن بخصوص است که معرف کلتور رسم و رواج وعنعنات همان‌ملت میباشد . (۱)

۱ـ مصاحبه با محمد سعید مشعل

ب ـ روش هنری مینیاتور در افغانستان :

وقتی از کلمه مینیاتور سخن به میان می آید خود معنی کوچک کاری ریزه کاری و ظرافت را میرساند یعنی طبیعت در نها یت کو چکی و ظرافت است و اما وقتیکه ازمینیاتور بحیث یك روش هنری و مینیا تور افغا نستان سخن بمیان میاید متعلق میشود به مینیا تورخراسانی (افغا ـ نستان امروزی) وخاصتاً مینیاتور مکتب بهزاد در هرات که این مکتب از خود خصوصیا ت ومعیار های خا صی داشته است که ماهر پارچه مینیاتور را چه تزئینی وچه تصویری با شد نمیتوان به حساب مینیاتورافغانستان در آورد تا اینکه معیار های هنری تعیین کننده مینیاتور افغا نستا ن است نداشته باشد . (۲)

مینیاتور خراسانی (افغانستان امروزی) ازخودقاعده وقانونی داردکه برخورداراز کلیت (بیلانس ، تعادل قوه هارمونی هماهنگی وکامپوز شن است .

به تأسف باید یاد آور شد که بعضی از هنرمندان کشور ما صرف نظر از اینکه بدانند چه میکنند وچه میکشند و شیوه کار هنری خود را در مینیاتور تعیین کنند . هرچیزیکه دل شان خواست به تصو یردر آورده و هر گونه تزئین های بی قاعده وبی اساس را که نه وز ن ونه تناسب در آن پیدا ست و نه کلیت بنام مینیاتور مکتب بهز ا د مسما داشته و ادعای اصیل بودن وسوچه بودن آثار هنری خود را به مکتب بهزاد می نمایند . در صورتیکه خصوصیات مکتب هنری بهزاد طور ـ

۲ـ مصاحبه با محمد سعید مشعل

. یکه لازم است خصوصاً از نـــگاه تخنیکی در آثار شان مراعات نمیگردد.
امید است جوانان هنر مندو بـــا استعداد بدانند که فرق بین مینیاتور
بصورت کلی و مینیاتور کشور ما چه بوده و چه معیار ها میتواند بسبب
بوجود آمدن یك اثر هنری خوب که متعلق به خواست جامعه و شرا یط
خاص مینیاتور افغا نستان باشد پیدا نمایند .

زیرا مینیاتور افغانستان و خاصتاً مکتب هنری بهزاد از مکمل تر یـــن
مکتبی است که در شرق بوجود آمده است که پس از تحولی که از عهـد
شاه رخ میرزا در مینیاتور کشور ما پـــدیدار گشت و د ر ز مـــا ن
سلطان حسین میرزا بایقرا و وز یردانشمند او امیرعلیشیر نوایی بـــه
مرحله کمال رسید .

بسیار بجاست که هنر مند ا ن افغا نستان این هنر اصیل و مردمی
خود را با تحولی شایسته و در خورزمان احیاء کنند واین مکتب را که
بیش از دو هزار وپنجصد ســا ل پیشینه دارد با آفرینش های هنری
و نو آور ی پابرجا و استوار نگاه دارند وبه یقین زنده نگاه دا شتن
میراث های فرهنگی و هنری بر ای نسل جوان و معاصر افغا نستا ن مـــا
یك وظیفهٔ خطیر و بزر گی است که نمیتوان از آن غافل بود .

در دنیای امروز که حتی ملـــت های نو خواسته و تازه بدور ا ن
استقلال رسیده کوشا هستند کــه برای خود سنن ومیراث های فرهنگی
بسازند . مو جب تأسف وتأثر خواهد بود که اگر هنرمندان ما به میرا ث
هنری خود بی اعتنا باشند وباتقلید از مکتب های هنری بیگانه گان با
اینکه بر سر کنج نشسته اند دست گدایی به پیش تهی ما یه گان دراز
کنند . (۱)

۱ـ مصاحبه با محمد سعید مشعل

فصل سوم
عصر تیموریان هرات
قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری

الف - مکتب هنری هرات (مکتب بهزاد) :

اگر بتاریخ جهان و بخصوص تاریخ افغانستان نظر اندازی شود خواهیم دریافت که شهر هرات دارای تاریخ و مدنیت کهن و مشعشع و درخشانی است که درآن باره درمأخذ ومنابع قدیم و حاضر مطالب ارزشمندی گفته شده است . موقعیت جغرافیایی آن چنانست که هریرو دیا دریای هریوااز خم و پیچ های دشت های حاصل خیز آن میگذرد و آنجا هارا آبیاری میکند وقابلیت کشت وزراعت می بخشد .

حدود اربعه هرات از جانب شمال به اتحاد شوروی . از جانب غرب به ایران از جانب شمال به ولایت بادغیس واز جانب شرق به ولایت غورات و جنوبآ به ولایت فراه متصل میباشد .

سابقاً هرات در چاراهی تجار تی قرار داشت و در عصر تیموریان و بویژه در عصر شاهرخ میرزا محل اجتماع وتمرکز هنرمندان ودانشمندان بود . و بدین نسبت شکوه و رونق خاصی یافت .

هرات در میان سالهای ۸۰۷ - ۷۵۰ از ابهت و جلال و شکوه مطنطن فعالیت های نقاشی و مینیاتوری بر خوردار بوده و نگارستان بر نقش و نگار آسیا محسوب میگردید.

هزاران نقاش - معمار و خطاط در کار های هنری خود مشغول بود ند و چنانکه بقایا ی دست آورد های ایشانرا امروزه در مناره ها، مصلی ها، مساجد جامع ودیگر بناهای ،عالی هنری آنجا میتوان به مشاهده رساند وسپس درزمان سلطان حسین بایقرادر سال ۸۴۲ - ۹۱۱ و وزیر دانشمند او امیرعلیشیر نوایی در سال (۸۴۴) هرات از بزرگترین ومتمدن ترین شهر های آسیا به حساب می‌آمد .

امیر علیشیر نوایی درین راه مجاهدت فوق‌العاده به کار برده و ارج عظیم به هنر گذاشته است .تا اینکه در سال ۸۴۴ هجری استاد هنر بهزاد پا به عرصه و جود گذاشت که درسال تولدی اش سه تفر رای موافق داده اند .

کریم طاهری -طاهر زاده تبریزی در کتاب سر آمد هنر چاپ برلین سال ۱۹۲۳ صفحه (٦) و در تاریخ افغانستان انگلیسی ج ۱ ص ۲۷۳ در کتاب هنر های اسلامی چاپ تهران (۱۳۳٦) صفحه ٥۸ تولد اورا در سال ۱٤٤۰ یا ۸٤٤ هجری گزارش داده اند . آموز گار وی میر سید احمد تبریزی بوده و لی انچه روشن تر معلوم میشود سید روح الله نقاش بزرگ هرات بوده که باپیرایش این نقاش چیره دست به اعتلای خود رسیده بود . (۱)

۱-دکتر مهدی بیانی ، خوشنویسان بخش اول، چاپ تهران، سال ۱۳٤٥ ص ۲۰۰ .

۱ درین وقت به تدبیر امیر علـــی‌شیر نوایی یک مکتبی بنام بهـــزاد تاسیس گردید که درآن چهل تن ازنقا شان و خو شنو یســـان گـــرد آمده بودند . استاد ی آنرا خوداستاد بهزاد به عهده داشت که از وی به بعد شاگردا ن نامدا ر اواین‌مکتب را پیر یزی کردند .

گزارش دوره ها ی اول زنده‌گانی‌این هنر مند معروف کـــه کما ل شهر تش بر جهان گسترده شـــده‌است مجهول است .

بهزاد در هرا ت مد تها بماند تاآنکه ستارهٔ اقبال تیمور یان افـــول کرد و دولت مقتدر آنا ن‌به دســـت‌محمد خا ن شیبانی سرنگو ن‌گردید واو وطنش‌را ترك نگفت و بعد ا زآنکه شاه اسماعیل صفو ی هرا ت رامتصر ف‌شد بهزاد خوا جه میر ك‌،قاسم علی ، حاجی محمد را که د ر آنجا میز یستند باخود به تبر یـــز برد .

کمال الدین بهزاد نقا ش معروف‌صنعتکار بزرگ مانند آفتا ب‌درخشان از مشوق آمال و آرزو های آسما ن‌هنر هرا ت سر کشیده و افتخارات هنر ی بس عظیمی به وطنـــش(افغانستان)به یاد گار جاو یدا ن گذا شت. (۲)

استاد بهزاد نقا ش نا می در بارهرات به امر سلطا ن حسین بایقرا سمت ریاست کتابخانه وسرپرستی‌گروه (خو شنو یسا ن)،(تذ هیـــب کاران) ، (نقاشان و هنر مندان)یافته ودر آ ن کتابخانه مشغـــو ل فراه آور ی نسخه ها ی نفیســـه گردید .

استاد بهزاد باعشق و علا قـــه‌مفرطی که باین هنر داشت قشنگـــ ترین صور تها و تابلو هـــــا ی‌مینیاتوری، ویاد گار های طلایـــی از خود به جا گذاشت . استاد دارا ی‌آثار بسیار گرا نبها است ولـــی اندکی ازآن در صفحه روز گـــــارباقی مانده است واز روی آن‌میتوان شخصیت هنری اورا که در تاریـــخ‌نقاشی‌نقش عمده وارزنده داردمشخص ،کرد .

۲ـمحمد افضل بنو وال مکتـــب‌بهزاد ص ۸۲

سلاطین مغولی هند ، برای جمع آوری آثار استاد بر یکدیگر سبقت کرده اند و این توقعات سلاطین در باره او قدمی بود که مصو ران را با تقلید از شاهکار های استادبیش از پیش تشویق کرده و حتی اکثر ایشان آثار خود را بنام او (بهزاد) نسبت داده اند و بدان سبب حد تعیین اثبات قطعی آثار او را مشکل ساخته اند و با این مناسبت که مؤرخان اسلام از صحت کامل آثار بهزاد شك و تردید دارندو هر گاه در ذیل تصاویر امضا یا مهری از جناب استاد مشاهده کنندآن عمل را منسوب بدو دانند . از آثار بهزادکه شامل امضاوخصایص سبك او باشدفقط تعداد کمی در دست است.

آثار قلمی مینیا تور های بهزادزینت بخش غالب موزه های دنیا وکتابخانه های شرق و غرب است .

بهزاد در نقاشی به رنگهای سردمانند ، سرمه ای ، سبز تیره، فیروزه ای ، سبز روشن ، زرد وقهوه ای بیشترتوجه کرده است . رنگها ی دیگر مانند طلاونقره حداکثر استفاده او را در نقاشی نشان میدهد . و نیز از رنگ سرخ انواع و اقسام مختلف کارگرفته است. در رنگ آمیزی واختلاط رنگها ونشان دادن حالات روحی و تمایز صورت اشخاص و نمایش مناظر طبیعی و ابنیه (بناها) قدرت کافی داشته و ظرافتکاری بیشتر معرف هنر او است.خصایص صورت های ساخته او ،بایستی متذکر شد که ظرافت کار، و حرکات زنده وتمایزصورت اشخاص وترکیب رنگ آمیزی از قبیل صورتی سرخ، زرد، آبی که در روی زمینه سبز علفی کشیده شده است قابل توجه ودقت شایان میبا شد .

بهزاد در تصاویر خوداز کشیدن صورت زنان تاجاییکه مقدور بودخودداری کرده است .(۱)

۱ـ مصاحبه با محمد سعیدمشعل ومایل هروی

مینیاتور های استاد در خمسه نظامی از این قرار است :
۱ـ بنای کاخ خوارنق درسمرقند
۲ـ خلفه مأمون عباسی در یکی ازحمام های عراق
۳ ـ کشتن اژدها به وسیله بهرام گور

مینیاتور های بوستان سعدی مربوط کتابخانه ملی قاهره که برای سلطان حسین بایقرا در هرات نقاشی شده اوج هنرمندی استاد بهزاد را ارائه میکند و دارای چهار مینیاتور است .

۱ـ مینیاتور اول سلطان حسین میرزا را در باغ نشان میدهد که سرگرم شراب نوشی است ورنگهای قرمزی . آبی وخاکستری در آن کار شده است .

۲ـ مینیاتور دومی حکایت دارا وگلبان را بیان میکند .
۳ـ ورود یك پیر سالخورده به مسجد میباشد .
٤ـ مینیاتور چهارمی دو بخش دارد اولی مباحثه فقاها را درمسجد نشان میدهد و دومی فرار یوسف راازا زندان ارائه میکند .

همچنان نقاشی های ظفر نامه رانیز کار استاد میدانند فعلاً درکتابخانه شخصی (رابرت کیرت) نگهداری میشود . این استادبزرگ در سنه (۹٤۲هـ) (۱۵٤۵) در دارالسلطنه هرات وفات یافت ودرحوالی کوه مختار در حضیره پرنقش و نگارمدفون شده است .(۲)

بهر حال قریحه ذاتی استاد درنقاشی و تصویر او را شهره آفاق ساخت وقلم مانی رقمش به وی برتری می بخشید .

کمال الدین بهزاد چنان آثاربدیعه یی از خود به یاد گار گذاشته که تاجهان و جهانیان باشد نا مشجاوید است. واز ین سبب شعر

۲ـ عبدالحی حبیبی ، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن ، چاپ تهران ، سال ۱۳۵۵ ص(۵۲) .

او نویسندگان در بارهٔ اوقلم فرسایی هاکرده واو را به نیکو بی نام برده اند.

چنانچه وی را چنین ستوده‌اند:

استادزمانه حضرت بهزاد است کوداد هنر وری بعالم‌داد است
کم زاید بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاداز وبه‌زاد است

ویا اینکه:

نازعالش به چابک روی به دست آن قلم کیری مانوی
اگر مانی ازوی خبر داشتی از وطرح و اندازه بر داشتی
برد صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد کمال الدین بهزاد موج‌طوفان ذاتی در عالم هنر پدید آورد که همه هنر های نقاشی ومینیاتوری‌قبل ازخود را تحت شعاع قرارداده و بدین قسم مکتب هنری ای‌بنیان‌گذاری کرد که بنام مکتب هنری هرات یا (مکتب هنری بهزاد) شهرت‌یافت.

این مکتب هنری در هرات بوجودآمد واوج یافت به پختگی رسیدو بعد همینکه شاه اسماعیل صفوی‌درسال (۹۱٤) ه (۱۵۱۰) م هرات را فتح کرد بهزاد ، خواجه میرك،قاسم علی و حاجی محمد وغیره را باخود از آن شهر به تبریز برد .این هنرمندان‌درتبریز قزوین شیراز وغیره شهرها هنر مکتب هرات راترویج داده وهنر شان به هنرهای محلی آن شهرها قویاً نفوذ کرده‌مزج وتکامل یافت . (۱)

واما دراینجا بجاست که پیرامون‌انکشاف مکتب هنری هرات درخود هرات‌سخنی زنیم طوریکه قبلااشاره رفت استاد بهزاد درانکشاف مکتب هنری هرات نقش عمده‌داشته آن را به پختگی رساند. پروفیسور مارتین در اسلوب کار بهزادچنین‌مینویسد :

جای بسیار تأسف است که بهزاداسلوب وروش راکه در نقاشی‌های

۱ـ محمد انور نیر ، مکتب‌هنری‌هرات در عصر تیموریان، مجله‌هنر افغانستان شماره ٥ سال (۱۳٦۰) ص (۲۱) .

قصر حسین بایقرا بکار برده بـــودبار دیگر تعقیب نکرد و الی هیچ یک از استادان نقاشی اروپا مانندرافایل و کو زولی بدین پایه ما یه نداشتند وبه ابتکاراتی که استادبهزاددر آن قصر بکار برده بود ایشا ن چنین کاری را در قصر (واتیکان)روم نتوانسته بودند . انجام‌دهنده در دورانیکه استادان نقاشی ومینیاتور غرب مضمون ورنگ را فدا ی هم میکردند نقاشان نامی هرات بـــامهارت تمام تصاویر جاندار و دقیـق رابا رنگ های اصیل درهم می‌آمیخته انـد .

چیزیکه بهزاد را برهنر ورا نسلف . هنروران عصر او و حتـی هنر وران ما بعد او رجحان داده‌همانا مشخصات، ومميزات کار آثار ـ رش میباشد که بدین ترتیب‌میتوان‌آن ها را ردیف‌بندی کرد :

۱ـ بهزاد نه تنها سبك جدید ی‌در مینیاتور ایجاد کرد. بلکه ایـن هنرباکلیه جز ئی یاتش توسط وی‌به تکامل رسید .

۲ـ توجه بیشتر او به امتز اج‌رنگها وهم آهنگ ساخـــتن آنها و ثابت ماندن آنها برای مدتهـــا ی‌طولانی .

۳ـ در ستی و دقت کـا مل در کار های خلا قه اش.

٤ـ وی بوسیله ترکیب رنگها به‌نمایاندن وضع چهره و قیافه قادر بود.

٥ـ مفهوم شدن ژست و حرکات‌و اشارات تصاویر در اعضأ وجوارح بدن چنانکه حرکا ت کلیه چشم‌د ست‌و سایـــر ا عـضاء مفاهیم‌خاص ر ا ارائه میکرد .

٦ـ ظرافت در کشیدن در ختان(گلها) دور نماها کوه ها صخره‌ها ابر هاو آسمان اشعه خور شیـــد وسایر مظاهر طبیعی .

۷- تعداد رنگهای گونا گون .چگونگی اختلاط آنها ویا توافق آنها بایکدیگر وطرز کار برد آنها .

۸-انتخاب رنگهای پخته وشکسته مانندسرمه یی . سبز تیره فیروزه یی، سبز روشن، زیتونی زرد قهوه یی طلایی و نقره یی واقسام مختلف رنگهای قرمز یاسرخ .

۹ - کشیدن عما رات با جز ئیات مانند دروازه . پنجره کلکینچه وغیره با مهارت زایدا لو صف وطرزیااسلوب خاص .

۱۰ - مهارت درکشیدن پرنده گان بخصوص مرغ خیالی یا سیمرغ و کشیدن حیوا نات اهلی و وحشی .

برعلاوه اینها که گفته آمدیم تنوع کار های بهزاد. رنگ آمیزی طرح ونقشه و ریزه کاری آنها نیز از خصایص هنر او بشمار میرود . درعصر استاد بهزاد ازشاگردان و پیروان او عدهٔ کثیری در هرات مشغول نقاشی بو دند ومعرو فترین آنها عبارت بود ند از: سلطان محمد نقاش که او رابهزادثانی میگفتند (پدر استاد محمدی) استاد محمدی (نقاشیهای این شخص و پیروا نش به طبیعت نزد یکتر است چنانچه خط کشیها چین وچروك البسه سیاهی و تار یکی تناسبات و حرکات تصویر از سبك قدیم هرات بهتر سنجیده شده.)

مولانا تابعی را که علاوه برهنرنقاشی و صورتگری در علم موسیقی نیز شهرت داشت مولانا جنید .حاجی محمد نقاش (که طبع شیوا یی شعری نیز داشت) استاد حسام الدین که علاوه بر مصوری ونقاشی د رساختن . تیرو کما ناستاد ماهری بود . درویش محمدکه شاگرد بهزاد بود در نگار خانه اوکار میکرد .

سید بابا (درهنر تذهیب وافشان کردن اوراق کتب از استادان ماهر و چیره دست بشمار میرفت) .

استاد شیخ محمد (برادر با باحاجی صورتگر بود) فضلی (از نقاشان معروف بحساب میرفت .)

قاسمعلی مصور (که در نقاشی ومینیا تور سازی شاگرد معر و ف بهزاد بود .) مولانا صادقی افشار (وی همچنان در فن نقاشی کتابی برشتهٔ نظم در آورده است) محمـودمذهب درفن تذهیب استاد ماهر ی بود . ازفن تصویر بهره کافی داشت و خط نستعلیق را خوب می نوشت .

مولانا محمود (درفن نقاشـی وتذهیب از استادان زبر دست وماهر بود) مظفر علی (برادر زاده بهزاد بوده هم مینیاتور یست بود و هـم ازجمله نقاشان هرات بشمار میرفت) مقصود نقاش (که صنعت نقاشی را در هنرستان بهزاد فرا گر فته بود).

مولاناو لی (از نقاشان و صو رتگران بود در نقا شی و تذ هیـب و صورتگری شا گردان دا شـت) رضای عباسی هروی (که بعد از بهزاد از مشهور ترین مصـوران ونقاشان بود .) یاری (وی در فن تذهیب و طلاکاری خیلی ماهر بود بر علاوه در خوشنویسی نیز دست قوی داشت .)

ملایوسف (ازشاگردان اسـتا د بهزاد بود. وی درصورتگری از هنرمندان بلند پایه و درفن تذهیـب چیره دستی کاملی داشت).

ب : خوشنویسان مکتب هنر ی هرات :

برعلاوه هنر نقاشی و صورتگری هنر خوشنویسی نیز در عصر تیموریان هرا ت از ارج بخصوص بـرخوردار بود خوشنو یسان د رمکتب هنری هرات مقام و جا یگاه بلند ی را حا یز بود ند . از خو شنویسا ن چیره دست این مکتب اشخاص ذیل رامیتوان نامبرد :

ابراهیم میرزا ابن شاهـــر خ (وی شش نوع خط را آموخت و از آنجمله خط ثلث را به روش ویا قـــو ت مستعصمی می نگاشت .) (۱)

مولانا معین الدین محمداسفزاری (به خوشنویسی وتدریس خطو ط مشغول بود و شعر نیز میگفـــت ، صاحب تالیفات هم ا ست . چنانچه روضات الجنات فی او صاف مدنیه الهرا ت یکی از آثار اوست) اشر فـ خان میر منشی (که از سارات اسفزار بود وی به نگارش هفت نو ع خط استاد و از جمله درخط تعلیق و نستعلیق مهـا ر ت تام دا شت .)

مولانا اظهر (از شاگردان معروف حکیم جعفر هرویست و در هرا ت قطعات و مرقعات بی نظیر نگاشت بعد به کرمان رفت). امیر سبزواری (خطوط مختلفه را بکمال زیبا یـی مینوشت و در علوم و صنایع شعری معلومات داشت) خواجه امین الدین محمود (که علاوه به فضایل علمـی در صنایع ظریفه مخصو صاً در خـوشنویسی شهره آفاق بود) مو لانا بنایی (که یکی از استادان علم وادب بود وروی همرفته در تمام شعب صنایع ظریفه مانند شعر مو سیقی وخوشنویسی مهارت زیاد داشت) پیرعلی هروی ولد عبدالرحیــــم (کاتب عنبرین قلم هروی در خـــط نستعلیق ماهر بود . خواجه هـــروی (از خاسان امیر علیشیر نـــوا ـ ی ی بود سوری نستعلیق سا یـــرخطوط را اعلی مینو شت) محمـــد حسین بن غیاث الدین علی (یـک نسخه از دیوان به خطاو در آرشیف ملی موجود است) خوش مـردان (این شخص خط نستعلیق را زیبـا مینوشت ودر سال ۸۹۷ هـ رسا له یی در خصوص اصول و قواعـــد نوشتن خط نوشت ودر آن طرزنگارش شش نوع خط را نگاشت .)

سلطان محمد خندان (در زمـــره خوشنوسیان ر سمی در بار سلطان ـ حسین میرزا بود وی نزد سـلطا ن علی مشهدی خوشنویسی میکرد واز سر آمدن هنر خطاطی بود) دوست محمد کتابدار بن سلیمان (که د ر

---

۱ ـ میر عبدالعلی شایق ،خطا طان و نقاشان هرات ،هرات : مطبعـــه دولتی هرات ، سال ۱۳۵۲ ص ۶۸ .

خوشنویسی به تمام خراسان وفارس شهرت داشت وی رساله کوچکی درفن خطاطی دارد که نسخه خطی آن در کتابخانه اکادمی علوم موجود است و مرحوم فکری سلجوقی آنرا تحشیه وتعلیق نموده بنام دیباچه دوست محمد کتابدار درشماره های مسلسل مجله آریانا و بحیث یك کتاب بنام ذکر برخی ازخوش نویسان وهنرمندان هرات بچاپ رسانده است .(۱) ذو الکمالین (میر باقر ذوالکمالین پدر خطاط معروف میرعلی بود و چندین خط را بکمال زیبایی مینوشت وصاحب تاءلیفات نیز بود. رستم علی (خواهر زاده بهزاد بود .
ودر خطاطی و خوشنویسی معروفیت داشت)
مولانا زهایی در انشاء و خطوطدست تمام داشت برتبه وزارت یکی از شهزادگان تیموری رسید وطبع شعر نیز داشت .
سلطان علی اوبهی (اکثر خطوطرا خوب می نوشت و خط نستعلیق او زیبایی خاصی داشت) سلطان علی قالینی از جمله نویسنده گان عهد سلطان حسین بایقرا است وتذکره مجالس النفایس نوایی به خط او استنتاج شده بود) سلطانعلی هروی از خطاطان معروف عصر تیموریان بخصوص سلطان حسین بود وخطوط و آثارش مانند مینیاتوری های بهزاد قیمت و شهرت داشت) .
شیخ عبدالله کاتب (از نویسندگان وخطاطان قرن دهم هرات است. وی به خدمت امیر علیشیر نوایی معروف بود و خطوط تعلیق و نستعلیق را به نهایت زیبایی ولطافت می نگاشت) ضیاء الدین یوسف (پسر مولاناجامی بود. وی درچندین خط استادی داشت .وخط نستعلیق را به شیوهٔ میر علی کاتب هروی خیلی زیبا می نگاشت.)
طاهری (که درهنر خطاطی مهارت کاملی کسب کرده بود) عارف (از

۱ـ همان اثر ص ۱۰۰.

استادان شعر وخوشنویسان هرات است و از جمله خطوط نستعلیق را خوب می نوشت) علاوالدین علی(میکائیل خطاش درخوبی و زیبایی معروف بود واز جمله خوشنویسان زبر دست بحساب میرفت . وی در زمان سلطان حسین برتبه وزارت ارتقا جست .)

علی حسین (از خطاطان معروف قرن دهم هرات و غیر ازمیر علی است . او چندین خط معروف متداول مخصوصاً نستعلیق را فوق العاده خوش می نوشت)

اعهدی از هرات بود درکتابت وخوش نویسی شهرت داشت و شعر خوب می سرائید عینی (ازهنروران و فضلای هرات است باامیرعلیشیر آشنایی داشت: برعلاوه دارای طبع شعر دارای خط خوش وزیبا نیز بود و نستعلیق را خوب می نوشت.

معین الدین (مولانا) فراهی (درزمان سلطان حسین قاضی هرات بود. در شش نوع خط از جمله استادان معروف بشمار می رفت از آثار مهم او معراج النبوة است).

فخرالدین علی (صفی) پسر ارشد حسین واعظ کاشفی درخوشنویسی از استادان بزرگ بود. طبع شعر نیز داشت. ازآثار معروف او رشحات عین الحیات است که نسخ خطی آن در آرشیف ملی زیاد میباشد(۱) قاسم شادیشاد (از جمله خطاطان معروف عصر تیموری بود و نزد سلطان محمد نور سلطان علی مشهدی وسلطان محمد خندان شاگردی کرد ودر آرشیف یك رساله در یك مجموعه دو رساله خطی گوی و چوکان عارفی هروی در مقامات شیخ احمد به خط نستعلیق زیبای اوست)کافی (میرزا) خط اش خیلی خوش وزیبا بودو خط نستعلیق او رونق تازه یی داشت). کمال الدین حسین (در خطوط هشت گانه استاد

۱- همان اثر ص ۱٤٦

بود وقرآن شریف را از حفــظ داشت) محب‌علی (مولانا) پســر رستم علی خطاط معروف هرات بوددر لطافت طبع و خوشنویسی شهرت داشت ونی را خوب می نواخت) .میرعلی هروی پسر میر بــاقر ذوالکمالین (وی در بخارا در کتابخانه عبدالعزیز کار میکرد . ودر خطوط خویش حتی از سلطان‌علی مشهدی استادش بهتر می نوشت . وبنامهای مختلف از قبیل میر علی هروی علی‌الحسین علی‌الکاتب وعــلی امضاء میکرد واز آثار او رساله مــــدادالخطوط است ونمونه های خــط اش درآرشیف ملی زیاد است) محمدمؤمن(پسر عبدالله مروارید بود و از هرات به فــارس رفت ومدتی درزمره خوشنویسان کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل صفوی بود) محمودشهابی (که شهر تش در خوش نویسی مخصوصاً خط نستعلیق بــه او حبش رسیده بود وی شــاگرد امیر علی بودو مدتی به بخارارفت‌و واپس به هرات برگشت. مقصود هروی (رقاع و نستعلیــق‌را خوب می‌نوشت وی تاسال ۹۵۱ در هرات و فراه بسر میبـــردو مدتی به دربار همایون پسر بابــر در هند بود.)

نامی (مولانا) (از مردم‌اسفزار هرات بود وگاهی در بار سلطان حسین بار میافت وبه خوشنــــویسی شهرت داشت) . نکاهـــی (مولانا)در عصر سلطان حسیــن‌زنده‌گی میکرد واز مشاهیر خــوشنویسان هرات بود. مخصوصا نستعلیق را نکو می نوشت وروش خط اش پخته بود). غیر از اینهـــاکه نام شان مذکور افتاد خوش نویسان دیگری هم بودند که درقرن نهم ودهم ویازدهم و قرون بعد آن میزیستند و همان شیوه قدما به‌خصوص شیوه خوشنویسان‌مکتب هرات را پیروی میکردند غیر ازاین هنرها که گفته شد در عصر تیموریان هرات هنر جلدسازی‌معرق نیز متداول بود ، با یسنغر میرزا استاد قوام الدین مجلد‌ســازصحاف معروف را از تبریز بــه هرات طلب کرد وی در هر صحافی بیداد نمود واز جمله معرق ســازی

را که تا آن زمان معمول نبودرواج داد. چنا نکه روی جلد ضربی طلا اندود میکرد و پشت آن رامعـــر قمیسا خت و از آن پس این هنر را سایر مجله سازا نآن عصر بکـــا رمی بردند. (۱)

ولی مولانا میرك . در مجلــــــه سا زی بجای‌ضر بی طلا که دا رای نقوش .یا. تشعیر بر جسته بود بر بوم مشکی می سا خت . و تشعیـر رو غنی کارمیرك دا رایی گل‌وبوته و باغ و صحرا واشکال سیمر غ و اژد ها و پرنده گان زیبا بود کـه آنرا شیوه میر کی میگفتند.

هنر کا غذ سا زی ابری برا ی آرا یش حوا شی بود . و گا هـی متن کتاب‌ها باانواع زر افشا نـــی‌مانند میانه ، غبار ، چشم موری ، سرموری بیخته بر او راق کتـــب نفیس کار میشد.

بر علاوه مولا نا کپــك هر وی‌صنعت عکس را رواج داد. مز یـد بر آن تذهیب معرق وهنر قطا عـــی‌از هنرهای مر وج کتاب ساز ی‌عهد تیمو ریان بشمار میر ود.

چنا نچه خطوط و نقوش را ا ز کا غذی بر یده بر او راق یاقطعات مطلو به دیگر ی می چسپا ند ند واین هنر را با ابزار خا ص با دقـت هنر مندی انجام میدا دند.

کوتاه اینکه هنر های از قبیل کتابت، تذهیب یا مینیاتور . نقاشی .مصوری تشعیر ، تجلید ، قطاعی ، وراقی ومعرق‌سازی در هرات عصر تیمور یان رواج داشت که همه این هنر ها بعداز پختگی و کمال در هرات به وسیله هنر مندانیکه بعد از سقوط هرا ت به دست شیبان خان اوزبك و شـاه اسماعیل صفوی از هرات رخت سفر بسوی دیار دیگر بستند .به شهـر های مآنند تبریز قز وین ،شیـراز .اصفهان ، بخارا حتی استانبول ،دهلی، کشمیر و غیره رفته با هنر های آن‌شهر هااختلاط ومزج یافت و رنـگ

---

۱ ـ همان اثر ص ۷۹

دیگر بخود گرفت .ولی با اینهم هنرهای ظریفه آن شهر ها را درحقیقت ادامه هنر ، های‌مکتب تیموریان‌هرات است.

ج ـ تاثیرمکتب هرات بردیگرمکاتب هنری :

از جمله هنر وران معروفیکه هنرهای زیبای مکتب تیموریان هرات را در شهر های‌مختلف ایران رواج‌دادند. شاه محمود نیشاپوری محمود مذهب مولانا یاری ،قوام الدین ،مسعود ،مولانا حسن بغدادی ،مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده خواجه عبدالعزیز، محمدی ،سید میر نقاش ،دوست‌محمد وسر تاج هنرمندان ، استاد کمال‌الدین بهزاد را میتوان نام گرفت ؛ پرواضحست که استاد بهزاد همینکه توسط اسماعیل صفوی به ایران برده شد در قزوین و تبریز شاگردانی راتربیت کرد وبه حیث رئیس کتابخانه طهماسب عز تقرر یافت وبعد از اوسلطان محمد ریاست مکتب صفوی را که میتوان آنرا ادامه مکتب‌هنری‌هرات دانست به عهده گرفت . (۱)

چنانچه میرک وسلطان محمد هردو هنر مکتب بهزاد را از پیش بردند و بعد از سلطان محمد شاگردانش‌شاه محمد و میر نقاش کار های مکتب بهزاد رادر ایران رواج داد ند ومتعاقباً مظفر علی، میرزا علی‌ومیر سید‌علی سنن مکتب بهزاد را زنده نگهداشتند ناقل مکتب هنری بهزاد به هند همایون پسر ظهیر الدین‌بابر پادشاه‌مغولی بود . وی پس از اینکه از دست شیرشاه‌سوری شکست خورد‌به ایران فرار کرد . سالیان درازی به دربار شاه طهماسب صفوی بسربردو هنگام بر گشتن به هندوستان در سال ۹۵۶ هـ ۱۵٤۹ م چند تن‌ازنقاشان تربیت شده تبریز را که در وقت اقامتش بدان شهر باایشان اشناشده‌بود بکابل خواست تا داستان امیر‌حمزه را مصور سازند و آن اشخاص عبارت بودند از خواجه عبدا لصمد شیرازی . میر مصور بدخشانی وپسرش سیدمیرعلی این دواستاداول‌الذکر که ازبقایای مکتب بهزادبودندمکتب نقاشی مغولی هند را اساس

۱ـ به اساس مصاحبه با محمدعلی عطار خطاط معاصر افغانستان

گذاشتند و باید گفت که مکتب نقاشی مغولی هند در واقع مخلوطی ازمکتب بهزاد و هنر نقاشی محلی اجنتائی هند است و مکتب کشمیر ادامه مکتب مغولی هند است .همچنان در اواخردوره اوج هنری مکتب هرات یعنی هنگامیکه مکتب صفوی ازین منبع فیض منشعب گردیدند در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین مکتب پدید آمدودر حدود سال ۹۴۲ هـ ۱۵۳۵ م دراثر غلبه صفویان در آن شهر (هرات) عده ازنقاشان وخوشنویسان هرات از طریق فرار راه دیار بخاراو ماور النهر گرفتند ودرآنجا اسالیب مکتب هرات به ویژه هنری بهزادراادامه دادند از جمله بهره های مهم هنری که از هرات به بخارا رفتند یکی میرعلی هروی شاگرد زین الدین محمود خطاط معروف هرات بود که در سال ۹۴۱ هـ ۱۵۳۴ م به دربار بخارا باریافت . وی نسخه یوسف و زلیخای جامی را به تاریخ (۹۳۰هـ - ۱۵۲۳ م) در هرات نوشت که دربخارامصور ومذهب گردید .

یکی دیگر از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط و پیرو روش استاد بهزاددر هنر مینیاتوری بود .چنانچه در الفت دادن اشکال به همدیگر وپوشانیدن و پر کردن زینه تصاوین به آئینه واشکال دیگر و تقسیم بندی آنها پیرو اسلوب بهزاد بود. ازشاگردان نام آور دیگر استاد بهزاد یکی هم شیخ زاده بود که مینیاتور هایش که در بخارا کارکرده بود به شیوه بهزاد است . این مینیاتور ها به سبب استعمال رنگهای روشن قرمزخیلی شهرت دارد . دیگر عبدالله مذهب شاگرد مکتب هنری هرات بودکه به بخارا رفت . ولی تصاویر این هنرمند کمیاب است تنها یک اثر از تصاویر جوانیست که در زیر درخت گلی مشغول نواختن ساز می باشد این اثر در موزه فنون نفیسه البزیك محفوظ است ودیگر خواجه محمود بن اسحق شهابی از قریه سیاوشان هرات بودکه خط اش بر خط استادش میر علی ترجیح داشت یکی از مشخصات مکتب بخارا عبارت ازکلاه ترکدار بلندیست که قسمت

پائین آن را عمامه پوشانیده است دیگر اینکه هنر مندان مکتب بخارا تصاویر اشخاص را منفردانه ومستقلانه می کشیدندوازین تصاویر مرقعات جداگانه ترتیب می دادند . (۱)

بر علاوه نفوذ مکتب هنر ی هرات در شهر های متذکره این هنردرشهر ترکیه عثمانی نیز نفوذ کرد کشو روسیع امپراطوری عثمانی در سه بر اعظم جانشینی خلافت عباسیان گردید و لذا مواریت هنری اسلام را هم حایز گردیده بود ازیك طرف د ملتوای سنن هنری اروپا قرارداشت واز جانب دیگر تحت تاثیر هنر شرقی بود وهنر مکتب هرات از طریق پارس در آن جا نفوذ داشت چنانچه رضای عباسی وآقا رضااز شاگردان مکتب هنری هرات در پارس بودند که شاگردان شان مانند معین یوسف و حیدر علی و افضل و حبیب الله وحسینی وقاسم در ایران و شاهقلی ولیخان تبریزی در مملکت عثمانی سبك نقاشی ترکیه را بوجود آوردند که در واقع همان سبك مکتب هنری هرات به طرز خاص است.

همچنان کمال تبریزی شاگردمیرزاعلی و شاهقلی از بقا یای هنر مندان مکتب بهزاد به ترکیه سفرکرد و به دربار سلطان سلیمان قانونی بار یافت لذا هنر مکتب هرات یا مکتب بهزادتا تر کیه عثمانی نفوذ کردو انتشار یافت روی این اصل مکتب هنر ی هر ات که آ غا زش از عصر شا هر خیست در شرق از شهرت واهمیت ویژه یی برخوردار است واز اینکه این هنرها نخست درخود هرات به پختگی وکمال رسید وآنگاه به سایر شهر های دوروپیش وحتی بلاد دور دست راه کشودو برهنر های آن مواضع مستقیما ویا گاهی غیر مستقیم اثر و نفوذکرد می توان مکتب هنری هرات را ما درمکاتب هنری آسیای وسطی شر قا نزدیك و آسیای جنوبی خواند .

۱ـ مصاحبه با محمد سعید مشعل ومحمد علی عطار

فصل چهارم

خصوصیات تخنیکی وهنری مینیاتور

الف - مینیاتور از نظر شکل ومحتوا .

مینیاتور در فورم خود از اصالـت خاصی بر خوردار است ودرمحتوا زنده ودینامیك بوده وبیانگر تأثیرات عاطفی انسان دوره ایست که هنرمند در آن می زیسته است . چون هنر به عنوان یك پدیده فکری و ذهنی نمیتواند از تأثیر پذیری بدور بماند وشرایط معین تاریخ ، زندگی مردمانی را که با فرهنگ واقتصاد و مسایل اجتماعی سرو کار دارندنمی شود مایه نگذارد .

هنری که خود را بازندگی انسانهادر حالات و شرایط متفاوت حیات وفق ندهد وصرفاً بازمان حرکت کند زود به اضمحلال می گرایدو از بین میرود . پس خواهی نخواهی با شرایطزندگی انسانها همگام و هم نوا بوده وساز گاری مطلق می داشته باشد.

به اساس ضرورت تاریخی وقوانین عینی تکامل جوامع بشری که از سطح به سطح بلند ترتکامل می نماید و خلقهای دور انساز باکار

وپیکار هدفمند خویش مقدمات گذارا به سطوح بلند تری از ترقی اجتماعی فراهم میسازند و همپا ی زمان هر نوع هنری را به تکامل میرسانند . (۱)

درمینیا تور از فرم معین وچو کاتی آن که بگذریم نا آگاه بیشتر ازآگاه هنرمندروی طرح ومحتوا اثر میگذاردواین شاید به آن علت است که شکلها خط ها ونشانه ها همه بـا نوعی از سمبولیك میکوشند انسانرا فراسوی خودش جهت دهند .

مثلا من ناشناخته رویای اشیاءرا به تصویر کشد. شاید همین تبارز ناآگاه یك وجه مشترك میان مینیاتورامروزی وسور ریالیزم معاصرمیتواند قبول افتد به این تفاوت که درمینیاتور هیچ نوع محتوا نمیتواند روی فرم آن اثر گذارد .یعنی فـرم‌در مینیاتور از خصیصه بارز آناست آنهم با چنان مشکل پسندی که حتی‌جای نقطه را تعیین میکند . درینجا باید تذکر داد که بین مینیاتورمکتب بهزاد در عصر تیموریان ومینیاتورنو تفاوت های‌زمانی موجود است .

مینیاتور نو نوعی بهم امیزی داردباسور ریالیزم معاصر. واین شاید به آن جهت که در پرتو این هردوروش نا آگاه هنرمند بیشتر ازآگاه اودر خط ها ونقش هاحل میگردد درحالیکه مینیاتور مکتب هرات بهزا د با مینیا تور امروز ی فـرق بارزی‌دارد. (۲)

مینیاتور عصر تیموریان هرات ازخصایص و ویژه گی های خاصی برخوردار بوده که اینك‌آن خصوصیات‌را بصورت موجز وفشرده بدو ستداران هنر تقدیم میداریم .

۱ـ مصاحبه بامحمد سعید مشعل

۲ـ مصاحبه بامحمد سعید مشعل

ب ـ خصوصیات مینیاتورهای بهزاد

مینیاتور های استاد بهزاد از خصوصیات ذیل برخوردار است :

۱ـ درمینیاتور های مقدماتی و ی تقلید از گذشته گان دیده میشود .

۲ـ چهره های قهرمانان تابلو را با ظرافت خاص و بشر دوستانه ترسیم مینمود .

۳ـ قهرمانان تابلورا کلانتر ونزدیك تر نشان میداد .

٤ـ درسایه روشن ها مهارت خاصی ازخود نشان داده است.

٥ـ سیمای زنان کم تردر تابلوهایش بملاحظه میرسد.

٦ـ تابلو های وی گویایی ازحقیقت است .

۷ـ در تابلوهایش از رنگها ی لاجورد ی فیروزه یی، طلایی، نارنجی، سرخ ،قرمز ،وزرد گاهی زیاد تر استفاده بعمل آورده است طور مثال از چند تابلوی وی مثال میدهیم تابلو ی خلیفه مأمول درحمام، تابلوی جنگ شتران ،چوپان که در تمام آثاروی افکار عالی هنری وی نمایان است. (۱)

بهنگام تاخت و تاز صفویان د ر هرات هنرمندان به هر گوشه وکنار روبفرار نهادند واستاد بهزاد به تبریز رفت ودرآنجا مکتب هنـر ی مینیاتور را تاسیس کرد. استـادمحمدی به بخارا رفت و مکتب نقاشی آنجارا بنیاد نهاد وکذا عده دیگراز هنرمندان ونقاشان به دیاردیگرو حتی به هند شتافتند و بکار های هنری خود مشغول گردیدند . بدین طور دیده میتوانیم که مینیاتور از افغانستان به ایران ، بخارا و هند و ستان روی کار آمد که شیوه کار مکتب هرا ت در نحوه کار های هنری مکتبها ی مربوطه ایران بخوبی مشهود است .وهمچنان تا ثیر مکـتب هرا ت در ماوراالنهر بغداد و غیره دیده مـی شود .

مکتب نقاشی کابل در عصرهمایون پادشاه تاسیس شدوخود وی عهده

---

۱ ـ محمد انور نیر، مجله هنر ص ۱۷.

دار این مکتب بود و پس از وی پسرش به کار گاه او تکیه
زد و آنرا پیش برد . درین مکتب گروهی از نقاشان افغانی، ایرانی
ترکمنی ، هندوستانی سر گرم کار بودند ومتاءسفانه که آثار اندك از
آنان در صفحه زرین روز گار باقی مانده است و صرفاً از ابتدای تاسیس
تهیه کتاب حمزه نامه است که سال ۱۵۷۰ م بانجام رسیده است.

یکی از خصوصیات بارزاین مکتب دست اندر کار داشتن قهرمان تا بدو
بود که تقلید ی از مکتب هر ا ت مینمود و نجوه کار مکتب مزبور باعث
آن شد که جلال الدین اکبر به تاثیرپذیری از آن پا یتخت خود را
از اگره تغییر بدهد .وی فرمان دا د که شهری بنام فتح پور آباد کنند
که ساختمان آن در گردا گرد سطح سلیم قرار گیرد و در ۹۹۸ کار این
شهر بپایان رسید . وی محل خاصی برای هنرمندان ترتیب داد و آنها را
بجایگاه اصلی شان مستقر سا خت.

باین ترتیب هنر مینیا تور به هندمنتقل گشته وفرخ بیك وعده ای
دیگر از شهزاده گان که از د ست صفویان فراری شده بودند بد انجا
پناه بردند و بادرنظر داشت ار زشهای هنری مکتب بهزاد و باارتباط
به ارزشها ی هنر محیطی آنجا تغییر شیوه داده و مکتبی را بنیا د
و اساس گذاشته اند .

ج - خصوصیات مینیاتورهای مکتب بهزاد

در تصاویر این عصر جنبه آرایش و تزئین قویتر بوده طبقات نا زك
صخره و کوههاییکه به افق منتهی میشود به انواع و اقسام رنگ ها ی
قشنگ خوش منظر و لطیف صحنه سازی شده است و نیز درختان گل
و گیاه وغیره با دقت فراوان وحوصله زایدالوصفی کشیده شده است
آسمان بالای افق غالباً طلایی رنگ ابرهای مار پیچ به سبك خاص هرات
آسمان شب برنگ سرمه یی و ستارگان به رنگ طلایی دیده میشود .

در کتب مصور آن دوره چون«توصیف حیوانات » و « تشریح جهان » بـا ویژه‌گی های مکتب هرات در ترسیم آب ،در ختان و کوهسار ها مشهو دو اشکار است (۱)

هنر نقاشی مکتب هرات بر ا ثر بر خورد و تماس باهنر های نقا شی محلی و مدنیت های همجوار اثراتی مانند «قلم مرکب چینی » «رنـگ آمیزی » «ترکیب خطوط » درکشیدن صورت بعضی حیوانات مثل «اژدها» و حیوانات افسانه ای دیگر ا لها م گرفته شد و بالای مکتب هرات به تدریج اثر گذاشته است . درتصاویر مکتب هرات چشمان بادامی ابـر و پیوسته صورت گیرد و رخسار ها بر جسته ملاحظه میشو دکه ایـن امتزاج و اختلاط هنر در عصر تیموریان هرات به حد کمال نهایی رسید ه است.

اما چیزیکه بیشتر نظر را جذب میکند فاصله صورتهای افرادمیباشد که به صورت قطع در نظر نبو ده است چنانکه در تصاویر شاهنا مه دومرد جنگی باهم مقا بل انـــــدوآنعده افرادیکه از پشت کوهها سر کشیده اند به یك تناسب بوده خوردو بزرگ نشده اند .

نقاشان عصر تیموری « مناظر ومزایا »قسمیکه اروپائیان تو جه کرده اند چندان تو جهی ننموده اند.هنرمندان درین دوره منا ظر طبیعی ر ا از روی خیال و علم به اشیا نقاشی کرده اند .

در نیمه دوم قرن نهم نقاشی به اوج کمال خود رسیده وحتی مکتب هرات باابتکارات تازه‌ییکه در نقاشی اورده خود را از سایر مکاتب هنری جدا ساخته است . در ین نقاشی ها مناظر طبیعت همیشه بهار اســت صورتهای اشخاص همه به یك شکل میبا شند آد مهای قد بلنـــــد و

۱- محمد افضل بنووال مکتب بهزادص ۵۳

کوتاه و بینی بلند وبینی کوتاه وجود ندارد همچنان میان‌مرد و زن فرقی گذاشته نشده است. درعصر بهزاد «نیمه دوم قرن نهم ه» ترسیم مناظر طبیعی، نه تنها حقایق را اشکار ساخته بلکه در اثر استعداد فطری او به درك حالت اشیا به وسیله رنگ آمیزی این حالت وحتی خصوصیات اشیا مختلفه دیگر که در یك اصل جمع شده است مجسم میشود.

کارهای بهزاد دارای روح ورمزی‌عارفانه و شاعرانه است که‌مطابق به گفتار شعرای بزرگ آن عصر میباشد صفحات نقاشی در این سر زمین پر است از شاخه های پرشگوفه که از فواصل دور مانند لکه های سفیدی بنظر می آید. ونیز برای زیبائی گلها زمینه صاف آسمان آبی و درختان دوك ما نند سرو صحنه سازی عجیبی شده است.

همچنان مناظری از خرگاهها قصرها قلعه ها باغ ها در فصل بهار و اشکال مرجان مانند صخره هارنگهای گوناگون ومتنوع ریگ های بیا بانی به رنگ طلایی و درختان باجویبا رهای کوچك که در کنار سبزه های ظریف و گلهای قشنگ روییده‌است یك حالت شاعرانه و رومانتیکی را تمثیل میکند که در نهایت زیبا یی و دلفریبی جلوه گر میباشد. مطربان ونوازنده گانیکه در دربار تفریحی‌امیران مشغول نواختن و سرودن استند گویا چنین مینماید که در ان‌میان آواز خوانی وجود ندارد و یا اگر هم دارد با دهان بسته آوا زمیخواند. بنابران این نارسایی و علم دقت دلیل برآن است نقاشان‌آن عصر نتوانسته اند از این‌حالت درست صحنه بیافرینند و آنرا بشکل طبیعی نشان بدهند اما چیزیکه جالب نظر است حرکت نوازنده گانست که بسیار خوب و به جای نشان‌داده شده است در مکتب های هنری «تبریز» و «قزوین» «عصر دهم ه» تصویر سازی وپور تریت (صور تانفرادی) وجود نداشت چنین‌صورت سازی های انفرادی در اواخر قرن دهم هجری در آثار

«رضاعباسی» حدمعمول پیـــد اکرد که از آن شواهد زیادی بدست است. (۱)

در تصاویر مربوط به مکتب هرات ازاین پور تریت ها دیده میشود چنانکه پور تریت های عصر نوا یی میتواند شواهد خوبی برای این ادعا باشد. اشخاص در حوزه هنری هرات با بینی های پهن وقامت کوتاه کشیده میشد. که بعداً تاثیر ازین تصاویر به مکتب «تبریز» رسیده است

در تصاویر این عصر پیر و جوان حد تشخیص نداشته و صرفاً در بعضی آثار «بهزاد وشیخ زاده» جوانان و پیران را میتوان ازهم تشخیص داد. فرق میان زنها ومرد ها تنها از شکل کلاهها ولباسهای شان میتوانست بشود.

حیوانات در مینیاتور های قرن‌های نهم ودهم هم فقط با انسانها دیده میشود در تصاویر این دوره اسپ از سایر حیوانات بیشتر جلوه میکند. تصویر اسپ درمجالس مینیاتوری «مکتب شیراز» خیلی قشنگ و اما بی حرکت است وغالب از پهلو کشیـده شده اند. کشیدن اسپان در صحفات منقوش جنبه تزیینی‌داشته ودرصحنه های جنگ ونبرد ، از آفتادن اســپ خبری نیست تصاویر شیر در ین‌عهد آمیخته باخیالات و تصورات است. از سایر حیوانات چون گاو ، شتر ، قاطر،خر، بز، گوسفند، پلنـــگ و گاهی کرگدن خرس وخوك نقاشی های بعمل آمده است در صور تها یی قرن «۷ ـ ۸ ﻫ » مربوط حوزه «شیراز» ساختمانها و عمارات به چشم نمی‌خورد و اما د راوایل قرن نهم « ۸۰۸ﻫ » کشیدن عمارات در حوزه هنـــری بغداد درداستان « همایی‌و همایون» که از طرف‌جنید نقاشی شده است به‌چشم می خورد ولی سایه روشن در آن‌دیده نمیشود در مکتب هرات عصر بهزاد عمارات مجلل دیده میشود . مـثلاً درصفحه مصور لیلی ومجنون درمدرسه

۱ـ محمدافضل بنووال ص ۵۵

داخل وخارج عمارت به مشاهده می رسید . این کار بسان سبك سورریا لیزم است که ازحقایق دور بوده ومحض زیبایی به وجود می آید.درین صورتها سردر ها با خطوط بسیارزیبا دیده میشود واین سردر ها نسبت به سا یـر قسمت هـای عما رات اهمیت فوق العـا ده و قا بـل توجهی داشته است. کذا انواع کاشی های رنگین در آن بکار برده شده است که زیبایی آن خیره کننده میبا شد.

تصاویر درختان در قرنهای (۹ ـ ۱۰ـهـ) مانند دوره ایلخا نیا ن به سبك رمانتیك نیست خصو صیاتیکه در نقاشی این درختها به ملا حظه میرسید اینست که هیچگاهی درحالت جنبش وتکان دیده نمیشو ندو حتـی که یکی از برگ های آن هم بواسطه باد ملا یمی تکان و شور نمی خوردو- گاهی هم سردرختان در مکتب شیر ا ز همیشه حالت بهاری دارند و همه گلها و برگها روی به یك طرف خوابیده اند که گوی بسوی نقا شی خیره می بینند در کار های بهزاد وعصراو یك دو جا درخت خزانی توجه راجلب میکند این تصویر تقلیدی از مکتب دیگری است.

در مکتب نقاشی این عصر کو هها اسفنجی و به شکل مقواهای بر یده میماندکه نیز تقلید از هنر چینـی میباشد تصویر دریا درین دوره چندان مورد توجه نقاشان نبوده ودر نقاشی به شکل زمینه خیلی تاریك و لکه سیاهی نشانه داده شده است .

تصویر آتش به شکل عجیبی کشیده شده که به هیچ وجه شباهتی به آن نمی رساند تصویر آب همیشه ا زنقره بوده که به مرورزمان سیاه میشود.

نقاشی های ظفر نامه شرف الدین علی یزدی که بسال ۱٤٦۷ کتا بت شده است در خشانتر و لطیف تر از شیوه نیمه اول قرن پا نزدهم میباشد یعنی همان شیوه واسلوب بهزاد ر ا می رساند.

د - رنگها ومواد مینیاتور

۱ هنر نقاشی در هند و فارس د ر قرن وسطی از نظر محتوی و تکنیك باهنر قدیم هندتفاوت داشت بطو ر کلی نقاشی های فارسی درین دوران

در زمینهٔ آبـــی صورت میگـــر فتو رنگ آبـــی درین نقاشیها بحیث رنگ عمده به مشاهده می رسید د رحالیکه در نقاشی های هندی زمینه ی سرخ به مثابه ی رنگ عمده بکار مـی رفته است. ممکن است د و علت درین تفاوت وجود داشته باشد . نخست فراهم آوردن مواد دوم برتری یافتن یك رنگ معین.

هنگا میکه لاجورد در فارس بـه وفرت میسر بود استعمال ر نـگ لاجوردی درنقاشی های فارس یـك حالت طبیعی داشت ودر صفحات نقاشی هندی گل «اخرای سرخ» کار گر فته میشد . ورنگ کبود آسمان از نظـر مذهبی به آرامش روحی وصلح وصلاح تلقی میگردید و نقاشان هندی بر ای نمای دور از رنگ سرخ استفا د ه مینمودند که بعد ها اتحاد سمبو لیك زمین وآسما نرا تمثیل مینمود . ا ما انتخاب رنگ مربوط به اقسام رنگها ی بود که به آسانی فراهم می شد ند هم د رهند وهم درفارس مواد فراوا ن هنری مورد احتیاج نقا شان بد ست می آمد .هنر مندان د رتولید ا یـن مواد مهارت داشتند پیش از آنکه آنها به آمو زش هنر نقاشی بپر داز ند . ناگزیر بودند که پروسه تو لیـد کاغذ مویك(قلم) ورنگ را یادبگیرند در روشنی این حقایق مبتوان پنداشت که نقاشان هندی قرن وسطی باطرز تهیه ای مواد هنری ور نگها کا مـلاً آشنا بودند متاء سفانه در بارهٔ تهیه رنگهای نقاشی دوران مغلها به استثنای آنچه که د رنسخه خطی نا یـاب بنام اسرار الخط که به وسیله یعقـو ب بخاری کشف گردیده ودر مو ز یم دهلی جدید نگهداری میشود نمی تو ا نیـم کدام ماخذ دیگری پیدا کنیم ا یـن نسخه تکنیك های هنری خوش نویسی را شرح داده که توسط فضل اله انصاری الفاروقی در (۱۱۰۲) هجری مطا بـق (۱۶۹۰) میلادی نوشته شدها ست . وبه امپرا تور اورنگز یب عا لمگیر اهدا گردیده است و رو نویس نسخه مذکور توسط عبدا لرحیم ابن حافظ عنایت اله صورت گرفته است آخرین دست نویس این نسخه سال ۱۳۲۸ هجری مطابق (۱۹۱۵) میلادی تهیـه

گردیده ودر کتابخانه رضا درامپور موجود است از مندرجات این نسخه که به انگلیسی نیز ترجمه شده د رمورد تهیه کاغذ نخته رنگهای نقاشی رنگ قلم و تذهیب کاری و آب طلا توضیحات مفصلی بملاحظه میرسد.(۱)

اما بخاری تنها در مورد تهیه چند رنگ از قبیل رنگهای لاجوردی (زنگار) سیاهی و آب طلا که عمدآ در نقاشی های مغلی به کار میرفتند معلومات ارائه میکند.

بخاری در چندین جای این نوشته از میر مجنون به مثا به مؤلف نسخه‌ای نام می‌برد که احتمالاً بیشتر ا زوی درین موضوع چیزی نگاشته باشد.

کاغذ:

یکی از مهمترین مواد که در نقاشی ها ی عصر جلال الدین اکبر به کار میرفته است کاغذ می باشد که یا در خودهند تولید میگردید یا از کشور های مانند چین ترکیه و ایران وارد میشد وچنین وانمود میشود که به استثنای توضیحاتی که در حمزه نامه آمده است همه نقاشی ها به روی کاغذ صورت می گرفت چنانچه کاغذی که معروف به هندی بود در نقاط مختلف هند ساخته میشد وچهار نوع آن به قرار ذیل موجود بود.

۱ـ کاغذ دولت آبادی

۲ ـ کاغذ نظام شاهی

۳ـ کاغذ عادلشاهی

٤ـ کاغذ کشمیری

آن کاغذ هایی که در خارج از هند ساخته می شدند به نامهای ذیل خوانده میشدند.

۱ ـ کاغذ خطاطی (ساخت چین)

---

۱ ـ انیس فاروقی « رنگها و مواد مینیاتور » مجله هنر افغانستان شماره (٥ ـ ٦) سال (۱۳٥۹) ص ٤٥.

۲ ـ کاغذ سلطانی (ساخت سمرقند)

۳ ـ کاغذ اصفهانی (ساخت ایران)

٤ ـ کووانی ساخت تبریز و زرد کاهی بود.

اصطلاح حریری برای کاغذ ابریشمی و نوخایار په کاغذ ابری بکار میرفت. بصورت عمومی کاغذ ازنی های میده شده که به اصطلاح (لوساها) نامیده میشد و یا از کنف و یا الیاف دیگر تهیه میگردید به همین گونه کاغذ ازپیله پنبه واز تور های کهنه ای ماهیگیری ساخته می شد چنانکه هاویل طرز تهیه کاغذ را شرح داده است. روی لشم کاغذ لعاب داده شده بالای تخته سنگ لشمی گذاشته می شد و رویه ای دیگر آن به وسیله صیقل دهنده مالش داده میشد.

زمینهٔ پارچه :

نخستین نسخهٔ خطی در بار اکبر که «حمزه نامه» نامیده میشود در مورد پارچه های منسوج شرحی دارد چنین معلوم میشود که این پارچه های نفیس خضر ابریشمی با جست سفید رنگ شده اند. میتوان پنداشت که کاغذ هندی به کار نقاشی چند ان مناسب نبوده و کاغذ های خارجی هم زیاد دستیاب نمی شده است درچنین شرایطی راه ساده وسهل همانا در زمینه نقاشی انتخاب پارچه بوده وهنگامیکه کاغذ به منظور نقاشی در محل تهیه شد استعمال پارچه ازمیان رفت.

زمینه دیواری :

از بقایای نقاشی های دیواری (سرای مریم) وسرای پردهٔ «محل خاص» در فتحپور سکری چنین معلوم میشود که نقاشان مغلی در بار اکبر کار نقاشی بروی دیوار را بخوبی میدانستند. بر اساس نظر متخصصین جریان نقاشی بردیوار که در دوران اکبر به عمل آمد کم و بیش مشابه

به کار ایتالوی ها درین زمینه میباشد وروش نقاشی که بروی گچ در(جایپور)
بکار رفته است مشابه به سبک مغول ها میباشد سبک جایپور به قرار زیر
شرح شده است در سبک نو یـــن جایپور از چونه به منظور آماده ساختن
زمینه کار گرفته می شد چو نه مدت یك هفته یا بیشتر ازآن در آ ب
گذاشته می شد پس از آن ریگ بـه تناسب معین باآن علاوه می گر دید
این مخلوط زمینه را تشکیل می دا د مصالح تهیه شده میتوانست بر و ی
سنگ درشت یا خشتهای د یـو ا ری استعمال شود به قسمیکه مقد متاً
دیوار راتر کرده وسپس آنرا پلستر وبا چوبکز تا بکشی می کردند تـا آنکه
کاملاً خشك گردد پس از آن دیوار را تر کرده وورقه نازکی بر آ ن مـی
افزودند این عمل چندین بار تـــا هنگامی تکرار می گردید که لا یـه
آن کم از کم به اندازه ربع یك انـچ می رسید سپس به دقت هموار و خشك
می گردید. چونه ایکه برای پوشش آخرین به کار میرفت به منظـو ر
نقاشی با دقت آماده می شد . برا ی آنکه بدرستی چونه شو د ماه هـا و
حتی یکسال زیر آب گذاشته می شد تا به وجه بهتری روی آن کار شـد ه
بتواند. نیم سیر این خمیره با نیم من چونه خشك مخلوط می گردید .
خمیره خوب شور داده شده یك شب گذاشته می شد این عملیه در ست یك
هفته تکرار و چونه به کار آ مـا ده میگردید . تنها آن بخشی از د یوا ر
تر میگردید که درهمان روز بالایش کار به عمل می آمد.
خمیره این لایه وگچ معمـــا ری وقتی به قوام میرسید دو یا سـه
لایه بروی دیوار کار و با سنـگ هموار مالش داده می شد هنگا میکه
این لایه ها اندکی خو شك می گردیدند روی آنها با لنگر صیقل می‌خورد تـا
درخشنده گی یابند .

مقوا

از یکجا نهادن دو یاسه یا بیشتـر اوراق کاغذ مقوا تیا ر می شد هنر-
مندان هیچگاهی بر آن نقاشی نمـی کردند ولی از آن در چسپا نـد ن
ورقهای نقاشی شده استفاده می‌نمودند هنگام تهیه مقوا کوشیده میشد تـا

بر آمده کی در آن به وجود نیا یـد ازین رو ضروری بود تا سرش کا ملا در سطح کاغذ هموار گردد.

مقوا سازآن (واسلی کـــا ر) معروف بودند مگر نقاشان مقوای‌مورد احتیاج شانرا خود شان می ساختند .

رنگها:

ابوالفضل در مورد رنگ چنیـــن‌می پندارد که سردی جسم‌سفید راآبدارو جسم‌سیاه راخشك می‌سازددر حالیکه حرارت شی‌تازه راسیاه وچیزی خشك راسفید می کرد اند این دو نیرو (حرارت وبرودت) هر کدام به نوبه خویش در تغیر رنگ جسم نقشی‌دارند زیرا اجسام هم قا بلیت تا ءثیر داشته وهم شایستگی‌تاءثیر از اجرام سماوی (عمد تاً از آفتاب) را دار ند. که منبع فعال حرارت میباشد بصورت کلی رنگهایی که نقاشان مغلی بکار می بردند بردو گونه بوذ.

قسم اول عبارت بود از موادمعدنی وقشر های نمکهای مـــعدنی که در خاکهای رنگه گل آخری و سنگهـــا پیدا می شدند برای جدا کردن رنگها می بایست سنگها آرد شوند کـــه پروسه دشواری بکار داشت ایـــن عملیه بنام شستشوی رنگ(رنگدانه) یاد میشد نقاشان مغلی هیچگا هـــی از رنگهای نباتات به غیر از نیل که بصورت موقتی در طبیعت یافته میشد استفاده نمی بردند وبه جز ازیکنوع ماده جگری از حشرات کار نمـــــی گرفتند.

رنگهای دیگری‌که بصورت‌مصنوعی مورد استفاده قرار میگرفت باز دو نوع بودند یکی از آنها از تر کیـــب مستقیم مواد ی‌چون زنگار و د یگـــر محصولاتی که از عملیه تیزاب بـر فلز بدست می آمد (مانند زنگار یـــا رنگ‌سبز)تولید میشد.

رنگ‌سفید:

سفیده یاجست سفید از کاشغـر وارد میشد که تنها از طرف نقا شان

مغلی مورد استفاده قرار میگر فت شیوه تهیة سفیده بقرار ذیل بودسفید آرد واز ململ گذشتانده میشد ماد ه پخته شده رادر ظرف‌چینی ریخته و محلول رقیق ضمغ به قدر ضرور ت بر آن علاوه میگردید سپس با انگشت خمیر واندکی آب بر و یش انداخته میشد تا آنکه سفید به اندازه شیر رقیق می گرد ید. آنگا ه در ظرف دیگری خالی میشد تاپار چه های نامیده شده که در ظرف ا و ل ته نشین میگرد ید. جدا شود ا ین عملیه چندین بار تاوقتی تکرارمیشد که سفید ه از مواد دیگر تصفیه شود سر انجام آب سفیده خشك و پـو در آن به کار آماده میگرد ید . درین عملیه بخشی از مواد نامیده شده همیشه در محلول باقی میماند ازین رسوبات فقط در صورتی رنگ‌ساخته میشد که محلول در ظروف تازه شور داده شده واپس خشك میگر دید .

دوده چراغ (سیاهی) :

روش عادی تهیه سیاهی چنین بود .چراغی پراز روغنی را طوری در کاسه یاکوزه ای‌میگذا شتند که چراغ را بپوشاند دو ده‌ای که از دود آ ن بدست می آمد در ظرف می نشست سپس دوده باضمع عربی مخلوط میگردید . کلوله های خوردی از آن ساخته ودر میان ذغاله خمیر گذاشته میشد کلوله های خمیر را برآتش‌می نهادند تاروغنی آن دوده را بمکد انصاری چندین طریقه سیاهی راشرح داده است بخاری یك نوح طرز تهیه سیاهی رااز ین نسخه که دارای‌تکنیك مخصوص و دشواری میباشد استنتاج کرده است. (۱)

چهار سیر مازونی تازه چهار سیر ضمغ عربی یك‌من دوده و یك سیر زاچ‌را بگیر ید به چهار سیر مازو رادریك من آب و چهار سیر ضمغ را در ۸ سیر آب بیندازید و ضمغ‌راروزانه دوساعت درسه شبانه روز بشو ئید آب مازو را آنقدر جو ش دهید تـا نصف شود آنرا با ضمغ خالص‌مخلوط

۱ـ همان اثر ص۴۷

کنید وظرف راازآتش بر دارید زاج رادر هاون میده نموده آنرادر ظرفی جوش دهید برآن آب بیفزائید تا حل شود. مخلوط مازو و ضمغ را قطره قطره برین محلول بچکانید مدت سه ساعت آنرا لت بزنید ودر بوتلی بیندازید آنگاه آماده کار خواهد بود.

رنگهای سرخ:

رنگهای سرخ به طور کلی ازخاك رس وسنگهای سرخ که پر از اوکساید آهن میباشند بدست می آمد چنانکه رنگهای سرخ به پنج گونه ذیل کار میشد.

۱ ـ اخرای سرخ: این رنگ فراوان بود وبطور وسیعی در نقاشی های مغلی وهندی به کار می رفته رنگش روشن وگرم بوده است.

۲ـ سرخ هندی (هرمز): این رنگ ازکاکی بدست می آمد که در جزیره هرمز خلیج فارس پیدا می شده رنگش تیره سرد وبنفش بود.

۳ـ نارنجی:

رنگ نارنجی از سوزاندن سرب سفید درهوای آزاد بدست می آمد، سرب راتا آن درجه حرارت می‌دادند که رنگ سرخ تیره بخود گیرد.

٤ ـ شنکرف (سبز):

بر اساس گفته اسرار الخط شنکرف را میده کنید نمك را در آب مدت سه روز در ظرفی بگذارید تا بخشی از آن ته نشین وقسمت دیگرش درآب شنا کند. سپس بخش شناورنمك را بردارید و بگذارید تا شنگرف ومحلول نمك به تدریج میده شود.

در جریان این عملیه محلول نمك را زمانی علاوه کنید که درخشنده‌گی یابد به وسیله مالش یاکف دست یا راشبیل رنگ مناسبی بخود می‌گیرد کیفیت رنگ آن به چگونگی میده کردن آن ارتباط دارد ضمغ عربی‌را به تناسب یک برابر ده (۱ـ ۱۰) به آن مخلوط کنید و مخلوط فوق را

با ضمغ عربی یك شبانه روز بگذارید وکفهای باقی مانده شنگرف را از ظرف دور کنید این عملیه را به منظور کیفیت تهیه چندین بار تکرار کنید و قدری نمك و آب زعفران بر آن علاوه کنید وآنرا یك شب بگذارید در صور تیکه لازم با شد مقداری ضمغ برآن بیفزائید پیش از استعمال آنرا شور دهید تاشنگرف ته نشین نشود وکف تولید کننده اگر محلول مناسب نبود شیره سیر برآن علاوه شود تارنگ زیبا ودر خشنده به دست دهد محلول شنگرف با کارد ودیگر افزار فلزی شور داده نشود زیرا شنگرف دارای سیماب میبا شد وآهن دشمن شنگرف است وسیاه میگردد اگر بازهم محلول در ست نباشد کدوی خشك راتر کرده آبش را به آن بیندازید.

قرمز دانه :

این ماده از حشره سرخ نکی که کرم نامیده میشود بدست می آید. قرمز دانه هندی از توته های حشره ای تولید میشود که درا نجین تخم گذاری میکنند توته های ماده آن جمع آوری میگردد رنگی که ازآنها بد ست می‌آیدقرمزی یاگلابی میباشد.

رنگ آبی :

رنگ آبی را نقاشان بدو شکل بکار میبردند.

۱- نیل :

این رنگ از نباتی بدست می آید که در گیاه شنا سی نوین به نام اند یکو فیر یا یاد میشود.

۲ - لاجوردی :

بر اساس شرح اسرار الخط لاجورددو گونه میباشد یکی طبیعی و دیگری مصنوعی که خواص لاجوردی دا ر د کیفیت لاجورد در آن است که درآب جذب وحل نمیشود.

لاجورد طبیعی؛

لاجو ردمیده شده رادر آب بینداز یدو تازمانی شوردهید که ته نشین شود سپس غبار آنرا دریك ظرف چینی به دقت وآهسته کی خالی کنید این عملیه راتا زمانی تکرار کنید که رنگ آن بالا برآید گردآن آب راجذب نمیکند سپس شیرهٔ اقا قیا را به تنا سب (یك در ٤) در آن مخلوط کنیـــــد رنگ آماده میشود .

لاجورد مصنو عی :

سفیده راگرفته گرد وغبار آنـراجمع کنید خاك نیلی را به تنا سب (۲ در۱) باسفیده‌صاف نما ئیدهردوی‌آنرا مخلوط کرده به اندازه چهار ـ یك آنها ضمغ علاوه کنید و به کا ر برید.

رنگ زرد :

رنگ زردکه در هندی(پوری) نامیده میشود استحصال آن چـنـین شر ح داده شده است.

پیشآب گاو جمع آوری و گذاشته میشود تاسرد شود سپس حرارت‌داده میشود رسو با ت آن کلو له بسته درآتش ذغال یاآفتاب خشك میگر د د از گل اخری زرد نیزرنگ زردنصواری به دست می آمد.

رنگ سبز :

رنگ‌سبز زنگار نامیده میـــشو دزنگار در خشنده دارای کیفیت‌بهتری

دانسته می شد تهیه آن در اسرارالخط‌چنین بیان گردیده است. یك سیـر نو شادر (نمك‌امو نیاك)رابانیم سیـر خرده‌های‌مس در ظر فی بگذا ر یـد و سرکه انگور را قطره قطره بر آن بریز ید و به وسیله چو بی سطـــح آنرا هموار سازید کلو له های درون‌ظرف را آنقدر میده کنید تا زنگا ر تشکیل شود برای استحصال زنگـار نوع عالی خرده هارا در ظرف مسـی بگذارید آنها رامیده کنیدو شـــو ردهید تادرست سه شبانه روز آنر ا بگذارید زنگار آماده بکار شود .

در وقت سائیدن سرکه انگور رابه آن بیا فزا ئید واندکی سنگ‌نمك را با شکر عالی علاوه سازید از آ ن شنگرف بدست می آید . پس از آن به قدر ضرور ت ضمغ را بـــه آن بریزید رنگ مورد نظر آماده میشود.

برای تهیه رنگا رمصنو عی‌زرنیخ و گیل راتاوقتی بسائید که به قیا م برسند هنگامیکه رنگ مطلوب بدست آمد آنرا در بو تلـــی نگهدا ریـــد رنگهای غیراصلی ترکیب برای‌رنگهای اصلی بدست می آیند چنانچه رنگ ارغوانی از ترکیب نیل وشنگـرف وارغوانی تیره از ترکیب رنگ‌نارنجی ودوده ورنگ سو سنی از تر کیب نیل وجگری وهمچنین رنگ طلایـی ا ز مخلوط رنگهای سرخ وزرد بدست می آیند رنگ نارنجی از ترکیب رنـگ زرد واندکی شنگرف ورنگ‌خا کـــی از اختلات سفیده ودوده تولیدمیشود.

آب طلا:

مقدار طلابا ضمغ سرخ تیره کـه به آسانی از یکدیگر جدا شده بتواند مخلوط وبرآتش گذاشته میشد تاقوام‌یابد مخلوط مذکور هنگامی که جو ش میخورد رنگ آن به مانند موی سریك انگلیس تغیر می یافت مقداری آ ب در آن علاوه میگردید وسپس مـد ت یکساعت گذاشته میشد تاسرد وذرات طلاته نشین گردد سپس ذرات‌مذکوررادر ظرفی میگذاشتند تا صاف‌شوند از‌آن پس اندکـــی ضمغ راباز با آن‌می آمیختند وبهمین سان تصفیـــه میکردند هنگام کار اندکی آب بر آن‌می افزودند رنگ طلایی آماده مـــی گردید این طرز استعمال بر اسا س‌معلولی ارائه میشود که مؤلف‌اسرار الخط از متخصصین هنر نقاشی‌شنیده است. (١)

قلم وموبك :

نقاشان مغل برای ریختن طر حهای اولیه ازشاخه کوچك تمر هند ی‌کار میگرفتند در عصر اکبر که استعما ل پنسل مروج بود این شی را نـــمـــی شناختند کلمه قلم به جا ی‌برس با مویك بکار میرفت بعد هااین اصطلاح به طور گسترده ای به مفهوم سبـك‌استعمال میشد چون قلم دهلی یالکنهو که مراد از آن سبك نقاشی د هلی‌یا لکنهو بودمویك (برس) به وقت‌تهیه میگرد ید معمولاً از موی سنجاب‌نوك‌سیاه بهترین نوع مویك ساخته میشد زیرا این نوع موی سنجاب نه بسیار نرم ونه بسیار سخت بود وهنگا م

---

١ ـ همان اثر ص ٤٨

غوطه شدن در آب هم باز نمی گردید تهیه مویك نسبت به تهیه رنگها آسان تر بود نخست دم سنجاب درآب پوشا نیده میشد سپس موی ها یش دسته شده از جوف نی عبور داده میشد برای آنکه نی در وقت بر یدن نشکنند آنرا ترمیکرد ندو رو یش راصاف میکرد ند ازآنجامش موی دسته شده راگذرانده در دسته نی می بستند مویك آماده میگردد .

از تشریحات اسرار الخط آشکا رمیگردد که در آن روز گار مواد کار آمد نقاشی بیشترینه طبیعی بود وتهیه آنها به هزینهٔ هنگفتی نیاز داشت برای آماده کردن این مواد شبکه وسیعی از خو شنو یسان نقا شان تذهیب کاران حاشیه آر یان طلا کاران ولاجورد شویان وغیره لازم بود که از حمایت وسر پرستی دستگاه دولت بی بهره نباشد.

نتیجه

از تحلیلی که درین اثر صورت گرفت بر می آید که هنر نقا شی سر زمین ما همسان دیگر هنر ها در روند غنا مندی واصالت پیشه خو د نشیب و فراز هایی داشته اوج ها قهقرا هاوسکون هارا طی کرده است که هر کدام به نوبه خود در انکشاف اصالت ورسا لت وعکس آن بی تاثیر نبوده است علی الخصوص هنر مینیا توری که یکی از مهمتر ین و پربار ترین هنر های ظریفه بشما ر آمده ودر طول‌سده‌ها و تحولات‌زیادی در آن رونما گردیده است.

مکتب مینیاتور هرات این مکتب سنتی وکلاسیك افغا نستان در قر ن یازدهم به درخشش آغاز و درنیمه دوم سده پانزد هم میلادی به ا و ج ترقی‌خود نایل گشته است در طی‌مسیر این اوج بانام و شخصیت‌هنری استاد کمال الدین بهزاد این تک‌ستارهٔ درخشان دوره‌هنر نگار گری‌شرق آشنا و معر فی میشویم ومیبینم که مکتب مینیا تور هرات مملو ازسنتی ملی ظرافت های د لپذیر عنا صر ذوقی و استا تیك (زیبایی شناسی) میباشد . در شرایط حا ضر که نها د های هنری وهنرمندان نقاش کشورما مواد ووسایل کافی به دسترس ندارند نمیتوانند نیاز های‌مردم‌و وضع‌موجود محیط را بدرستی تشخیص کرده‌وانعکاس دهند . ازاین نگاه وضع آموزش نقا شی در کشور سازما ندهی‌مؤثر تری را ایجاب میکند ومقا ما ت مسوول البته در برابر آموزش هنر ها علی الخصوص هنر نقا شی در

آموزشگاه هاو لیسه ها به مسوولیت بس بزرگ مواجه اند تادر زمینه رشد وانکشاف شخصیت کودکان و نـــو جوانان کشور در هرسن و سالی که باشند ودر زمینه نصاب تعلیمـــــی مکاتب وآموزشگاه های عالی ایـــن وجیبه را مو فقانه ایفا نمایند .

یکی از عوامل اساسی که هنرمندان ما اکثراً در موقع ابتکارات هنـــری خورد مینیا تور مینما یند این است که از سنین پائین وخورد سالی با رمـــوز دقایق ابتدایی هنر ها آشناساخته نمیشوند و دفعتاً به پا یه های بلند تحصیلات هنری معرفی میشوند توقع ما از کار گردان های امور فرهنگـــی وهنری کشور این است که از تجارب کشورهای مترقی استفاده نموده مقدمات اساسی هنرها رابه کود کـا ن د ر پرورشگاه هاو کودکستا نهاومکاتب بگنجا نند . از بررسی رو ند تکامل عموم ساحات هنری ما بر می آید که نهاد های آموزشی وتربیتی کشورما باکمبود کادر مسلکی مواجه بوده ومسالك هنری اکثراً از جانب معلمان واستادان غیرمسلکی تدریس میشود که ادامه این وضع نتایج جبران ناپذیررا ببار آورده .

بخاطر احیای مجدد هنر ها مقا مات مسوول تعلیم وتربیه وتحصیلات عالی در زمینه تربیه کادر مسلکی همکاری نزدیك باید داشته باشند تا نقیصه کمبود کادر هنری باساس یك پـلان منظم تعلیمی وتربیتی مرفوع وتاءمین گردد تادر پهلوی دیگرهنرها به هنر مینیاتوری همت گماشته شود و این هنر ملی راکه در حدود پنجصد سال مورد بی لطفی وبی عنایتی هنر مندان گذشته قرار گرفته بود سر از نو بامحتوا ومفاهیم جدید ودر ارتباط با نیاز وشرایط زمان حیات دو بـــاره بخشیم.

ماخذ

کتب:

۱ـ بنووال ، محمد افضل . مکتب بهزاد . کا بل : مطبعه پو هنتون، سال ۱۳۵۹

۲ ـ بیانی ، دکتور مهدی .خو شنو یسان بخش اول. تهران ،سال۱۳٤٥،
۳ ـ حبیبی ، عبدالحی . هنر عهد تیموریان و متفر عات آن . تهران، سال ۱۳۵۵ .

٤ ـ شایق ، میر عبدا لعلی .خطا طان ونقاشان هرات . هرات: مطبعه دولتی هرات سال ۱۳۵۳.

مجلات

۱ ـ فاروقی ، انیس «رنگهاوموا د مینیا نور» مجله هنر شماره(۵ ـ ٦) نشر یه اتحادیه هنر مندان ج.ا، سال ۱۳۵۹.

۲ـ فرخ ، همایون«سیری در مینیا تور ایران » هنر ومردم شماره(.۱٤۰ـ ۱٤۱) نشر یه وزارت فرهنگ و هنـرایران ، سال ۱۳۵۳ .
۳ ـ نیر،محمدانور«ویژه گیها ی هنری بهزاد در مینیا تور و نقا شی» مجله هنر شماره (٤) نشر یه اتحادیه هنرمندان ج.ا. ، سال ۱۳٦۳ .
٤ـ نیر ، محمد انور «مکتب هنرَی هرات در عصر تیمور یان » مجلـه هنر شماره (۵) نشریه اتحاد یه هنر مندان ج.ا .سال ۱۳٦۰ .

بو لتن

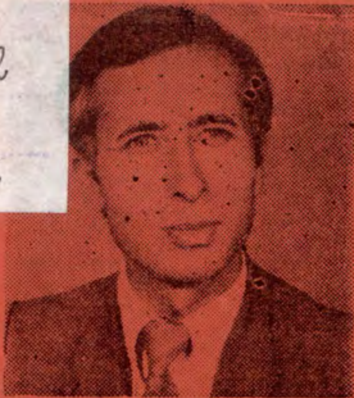
۱ـ بو لتن ،شماره (اپریل) نشریه مرکزپیداگوژیك فرانسه وافغانستان سال ۱۳۵۵ .

مصاحبه های مستقیم با هنر مندان و دانشمندان که صورت گر فته است.

۱ ـ محمد سعیدمشعل

۲ـ محمد علی عطا ر

۳ ـمایل هروی



خلاصه سوانح

محترم عبدالکریم رحیمی ولد عبدالرحیم استاد پوهنځی هنر های پوهنتون کابل و کار مند شایسته فرهنگ در سال ۱۳۲۸ هـ . ش در قریه ده تپه ولسوالی گذره ولایت هرات پا به عرصه وجود گذاشته است ، تعلیمات ابتدائی را در مکتب ابتدائیه شمس الدین کرت و تعلیمات متوسطه را الی صنف «۱۲» در دارالمعلمین هرات اکمال و بعد از فراغت در سال ۱۳۵۰ به صفت معلم در متوسطه گلران تقرر حاصل نموده است و بعداً در لیسه سلطان غیاث الدین غوری لیسه فوشنج ، متوسطه زیارتگاه به تدریس اشتغال داشت. علاقمندی فراوان موصوف در هنر سبب شدتا در طول مدت معلمی خود بپای درس استاد بزرگوار محمدسعید مشعل رفته واز فیوضات هنری استاد در رشته هنر مینیا تور کسب فیض نماید .

در سال « ۱۳۵۵ » بعد از سپری نمودن امتحان اختصاصی شامل دیپارتمنت هنر های زیبای پوهنځی زبان وادبیات گردیده وبعد از ختم تحصیل در سال « ۱۳۵۸» بحیث استاد در ین دیپارتمنت در کدر علمی پوهنځی زبان وادبیات جذب واز سال «۱۳۶۱» الی سنبله «۱۳۶۲» به صفت آمر دیپارتمنت نقاشی توظیف شده است . درسال «۱۳۶٦» بعد از وقفه چار ساله که خدمت مقدس عسکری را سپری نمود، مجدداً به صفت استاد تقرر حاصل نمود و از ماه ثور «۱۳۶۸» بحیث معاون پوهنځی هنرها توظیف ومدتی را درین سمت وظیفه اجرا کرده است و اکنون بحیث استاد در دیپارتمنت گرافیك پوهنځی هنر ها به تدریس ادامه داده و دارای رتبه علمی نامزد پوهنمل و رتبه دولتی (٤) می باشد .

مطبعه آریانا